



رهایی از اندیشه‌های شرک

هدف پیامبر از آمدن مردم بود. آزاد کردن از تحمیلات طبقاتی، آزاد کردن از اندیشه‌های شرکی که تحمیل شده. آزاد کردن از احکام و قوانینی که بسود یک گروه و یک طبقه بردگران تحمیل شده. این رسالت پیامبر شما بود. ما هم باید دنبال همین رسالت باشیم.

پیام مجاهد کبیر طالقانی
آخرین نماز جمعه

بکمک برادران فلسطینی خود بشتابیم
بسیانیه جنبش مسلمانان مبارز در باره

نبرد جنوب لبنان و تجاوز وحشیانه صهیونیستها
بنام خدا

فلسطین در داخل و خارج از سرزمینهای اشغالی - زیرا در حال حاضر این ارتباط تنها از راه جنوب لبنان بشکل مؤثرتری برقرار است - بقیه سرزدهای فلسطین دلیل سیاست خاص دول عربی در حقیقت به نفع اسرائیل و بزبان خلق فلسطین، بروی مبارزان فلسطینی بسته است.

سوم - در فشار گذاشتن دولت لبنان و تقویت مواضع و موقع نیروهای دست راستی جدائی طلب و وابسته به امپریالیسم، برزبان موجودیت صدها هزار پناهنده فلسطینی و سازمان آزادیبخش فلسطین و همچنین نیروهای مترقی و پیشرو لبنانی.

چهارم - در فشار گذاشتن جنبه آزادیبخش فلسطین برای وادار کردن آن به عقب‌نشینی از مواضع سیاسی و آماده شدن برای مذاکره با اسرائیل و دادن امتیازات و قبول راه‌پله‌ها و پیشنهادات محافل امپریالیستی.

پنجم - دستیابی به رودخانه لیطانی در جنوب لبنان به منظور غلبه بر بحران و مسئله غیرقابل حل آب در مناطق تحت اشغال صهیونیستها. اسرائیل برای ادامه حیات و حفظ موجودیت خویش و برای پذیرفتن مقدار بیشتری مهاجر بهبودی از خسارج، ناچار به آباد کردن اراضی تازه است و برای این منظور احتیاج به منابع تازه آب دارد که چون تهیه آن در داخل خاک فلسطین میسر نیست پرودخانه لیطانی چشم دوخته است.

ششم - درهم‌شکستن مقاومت نظامی و نابود کردن نیروی انسانی فلسطینی‌ها. اسرائیل با بکار بردن انواع سلاحهای مرگبار و ناسودکننده (آتش‌زا، شیمیایی و...) میکوشد جنبش آزادیبخش فلسطین را از نیروهای انسانی رزمندانش محروم سازد و هم‌اکنون در جنوب لبنان ارتش نیرومند و مدرن اسرائیل باخلاق فلسطین در مصاف‌اند. کارشناسان نظامی (صهیونی و امپریالیستی) همیشه بر این عقیده بوده‌اند که مقاومت خلق فلسطین را با یک تهاجم منظم نظامی می‌توان نابود کرد. اما تجربیات اخیر و از جمله تهاجم گسترده صهیونیستها در سال گذشته به جنوب لبنان که طی آن اسرائیل چندین لشکر خود را بسا جدیدترین سلاحهای سنگین و با حمایت جنگنده‌ها و توپخانه‌ها و نیروی دریائی وارد صحنه کارزار کرد، ثابت کرد که مبارزان قهرمان فلسطینی و سازمان آزادیبخش از چنان ایمان و سازماندهی و قدرت روحی برخوردارند که قابل پیش‌بینی نبود آنها تهاجم اسرائیل را با شکست مواجه ساخته و پیش‌بینی‌های محافل نظامی را باطل کنند.

تهاجم همه‌جانبه اسرائیل...

اکنون اسرائیل برای بار دوم با تهاجمی گسترده‌تر و با وحشیگری و وسعت بیشتری وارد عمل شده است - اما مقاومت قهرمانانه و حماسه‌آفرین رزمندگان فلسطینی و حمایت نیروهای مترقی لبنانی تا این لحظه دشمن را با ناکامی و خشم مواجه ساخته است. اسرائیل بر آتش سلاحها و نیروی تخریبی و قدرت رزمی هواپیماها و توپهای خود متکی است. در حالیکه خلق قهرمان فلسطین به ایمان و نیروی انسانی، تحریرش آنگاه دارد و یکمک سازماندهی و هشیاری و در سایه ایمان به حقانیت خود و حمایت معنوی همه خلقهای جهان، ضربات مهلکی بر سرتفاه صفت دشمن که همان نیروی انسانی‌اش باشد، وارد می‌آورد.

برادران و خواهران

محافل امپریالیستی آمریکا برای تحمیل راه حل مورد نظر خویش بر خلق فلسطین، آنها را در تنگنا و فشار شدید قرار داده‌اند - نیروی نظامی اسرائیل در

بقیه در صفحه ۷

امریکا در رأس
جهانخواران است

امام خمینی

امام خمینی دیروز شب (۵۸/۷/۷) طی پیامی خطاب به ائمه‌المراتب فرمودند:

... لا تفرقه ولا تفرقه است، دینی است که عبادتت نام با سیاست و سیاست عبادت است. اکنون که مسلمین کشورهای مختلف جهان بسوی کعبه امان و حج بیت‌الله روی آورده و این فرضه الهی و کنگره بزرگ اسلامی در ایامی متبرکه و در مکانی متبرکه برپا گردیده است. مسلمانان بیعت از قبل خداوند تعالی باید علاوه بر محتوای عبادی از محتوای سیاسی و اجتماعی آن بهره‌مند شوند و به‌صرف صورت قناعت نکنند... از جمله وظایف در این اجتماع عظیم دعوت مردم و جوامع اسلامی به وحدت کلمه و رفع اختلافات بین طبقات مسلمین است که خطبا و گویندگان و نویسندگان در این امر حیاتی اقدام نمایند و کوشش کنند در بوجود آوردن جبهه مستضعفین که با وحدت جبهه و وحدت کلمه و شعار لا اله الا الله از تحت اسارت قدرتهای شیطانی اجانب و استثمارگران و استثمارگران بیرون آیند و با اخوت اسلامی بر مشکلات غلبه پیدا کنند.

بقیه در صفحه ۷

ضوابط و معیارهای
انقلاب را روشن کنید...

حضرت آیت‌الله منتظری که طالب وحدت هستند، باید توجه کنند که اگر تعریف درستی از جبهه روحانیون بدست ندهند. اگر از مطلق روحانیت صحبت کنند. مشکل حل نمی‌شود...

بدون اطلاع از آن قوانین موفق به پرورش گیاه مورد نظر و یا اصلاح نوع پنبه می‌شوید و یا گل نمی‌گردد و همانطور که زیست‌شناس بدون اطلاع از قوانین حیات قادر نخواهد بود تغییراتی در نژاد حیوانات یا طیور بوجود آورد و به اصطلاح اصلاح نژاد کند. ایجاد تغییرات در جامعه انسانی هم که مانند طبیعت پدیده‌ای از امکان‌پذیر نخواهد بود. انقلاب از قانون‌مندیهای آن امکان‌پذیر نخواهد بود. انقلاب یک دگرگونی اساسی در ساخت جامعه است که با اصلاحات کاملاً فرق دارد. اصلاحات هم که محدود به تغییرات سطحی و روستایی است احتیاج به آگاهی بر قواعد تغییر دارد چه رسد به انقلاب که تغییر در بنیادهاست. و زیور و کردن و ساختن نهادهای تازه است. ما این رهنمود را از قرآن گرفته‌ایم. این آیه را صدبار تکرار کرده‌ایم

بقیه در صفحه ۲

بعد از گذشت شش ماه از پیروزی جنبش، اکنون تدریجاً مردم و مسئولین امور متوجه میشوند که کار یک جنبش و انقلاب صرفاً با سرنگون ساختن رژیم گذشته به سامان نمی‌رسد. کسانی که با عجله بستن راه اشغال و مسئولیتها را برعهده گرفتند. به این حقیقت تلخ آشنا می‌شوند که حل مسائل انقلاب آنقدرها هم که تصور می‌کردند آسان نیست. علاقمندی و داشتن همت و اراده عمل برای قبول مسئولیت لازم است، اما چنانکه تجربه ثابت کرد کافی نمی‌باشد. حل مسایل جامعه و هدایت یک تحول و انقلاب اجتماعی استعدادها و مهارتهای دیگری هم لازم دارد که مسهمترین آن اولاً: پیشین و شعور انقلابی و آگاهی بر قوانین تغییر و دگرگونی و ثانیاً خصلتها و روحیه انقلابی است. همانگونه که انجام تغییراتی در طبیعت مستلزم آگاهی بر قوانین و روابط حاکم بر آنست بطوریکه گیاه‌شناس

سرمایه داری در ایران
باید از بین برود

گزارشی از کارخانه ارج

س - لطفاً "تاریخچه" مختصری از مبارزات کارگران کارخانه را شرح دهید. ج - تا آنجائیکه من اطلاع دارم در این کارخانه از سال ۵۱ به بیطرف مبارزات کارگری بشکل اعتصاب و تظاهرات وجود داشته است. و در مواردی به پیروزی دست یافتیم. بعضی از همکاران ما در مبارزات در حال حاضر ۲۳۵ نفر می‌باشد. مدیریت این کارخانه تا سال ۵۱ بعد از آقای ارجمند بوده و از آن تاریخ بعد با آقای کودرزی که این شخص در روزهای بعد از انقلاب فراری شد. شورای کارگری در این کارخانه بعد از انقلاب تشکیل شد.

کارخانه ارج در سال ۱۳۴۱ تأسیس شده محل اولیه این کارخانه در شوش تفریق قرار داشته که بعداً "بعلت وسعت کار به حاد کرج منتقل گردیده است. محصولات اولیه این کارخانه صندلی و میز بوده که اکنون به یخچال و کولر و آکرمکن و... تبدیل شده. تعداد کارگران این کارخانه در حال حاضر ۲۳۵ نفر می‌باشد. مدیریت این کارخانه تا سال ۵۱ بعد از آقای ارجمند بوده و از آن تاریخ بعد با آقای کودرزی که این شخص در روزهای بعد از انقلاب فراری شد. شورای کارگری در این کارخانه بعد از انقلاب تشکیل شد.

گفتگویی با یکی از برادران عضو شورا:

مالکین با زور اسلحه و چماق
مردم ده را فراری دادند
گزارش روستائی
برادران عزیز

این مقاله را تنها به بررسی وضع این روستاها از نقطه نظر «اقتصادی، کشاورزی» اختصاص می‌دهیم. طبق نقشه موجود در اردوگاه تعداد دهات حوزه فعالیت ما نزدیک ۵۰ دهه بود. پس با یک تقسیم‌بندی از دورترین ده تا محل اردو شروع به فعالیت کردیم. دهاتی که ما قصد رفتن به آنجا را داشتیم «داغکنی» یعنی «ده کوهی» نام داشت. در مسیر بازگشت به دهی بنام «شاه‌باغی» رسیدیم. در مورد «داغکنی» از اهالی پرسیدیم. گفتند، در آن ده ۳۰ الی ۴۰ خانواده هستند که ۴ سالک یکی دو ماه پیش که فتنه‌دزد زمینها را می‌خواهند تقسیم کنند، به ده ریختند و با زور اسلحه و چماق مردم ده را فراری دادند، همان بهتر که آنجا نرفتید چون کسی آنجا نیست، جز همان مالکها.

بقیه در صفحه ۵

مباحث ایدئولوژیک ۱۳
در جامعه توحیدی کار، اساس
ارزش و مالکیت است

برنامه حکومتی علی ع

تیب است و تا قاعه ادامه دارد و تا در آسمان ستاره‌ای می‌بینم چنین نخواهم کرد - اگر اموال آنها، مال من بود بنسای بین آنها تقسیم می‌کردم چه رسد به آنکه اموال خودشان است»
می‌فرمود «بخدا قسم درمی از حق و مال شما را بخود اختصاص ندادم - حتی یک درخت خرما برای خود ندارم. نمی‌بینید که از خود می‌گیرم و سه‌شما می‌دهم» - در این میان عقیل (برادر حضرت) برخاست و گفت: من و سیاه‌پوست را در مدینه یکسان قرار می‌دهی؟ حضرت بوی فرمود - بشنید، دیگری نبود بجای تو صحبت کند. چه چیزی تو را نسبت به منی برتری می‌بخشد جز سابقه یا تقوی؟
«و هنگامی که مطلع شد بعضی پنهانی به‌معاویه پیوسته‌اند و علت آن بوده که حضرت در اجرای عدالت و اصول برابری اصرار داشته است. فرمود... گریز آنها از هدایت و رستگاری است و شناختشان بسوی گمراهی و نادانی، آنان دوستدار دنیا هستند که با شتاب به آن روی آورده‌اند. عدل را شناخته، دیدند، شنیدند. در گوش دارند و دانستند که مردم نزد ما در حق خود برابر هستند، اما آنها بظرف سودجویی و رجحان خود بر دیگران گریختند. دوری و ناپودی بر آنها باد! بخدا قسم که آنها از ستم‌گری فرار نکنند و به عدالت ملحق نشوند از برجسته‌ترین خصوصیات نظام توحیدی در عصر مهدی موعود، برقراری مجدد مساوات و مساوات است در اسناد زیادی از ائمه آمده است که پس از قیام قائم، مال بین مردم به‌تساوی تقسیم می‌شود - همه نیروهای جهان از مالکیت خصوصی آزاد و نزدی جمع می‌شود و او بر طبق سنت رسول خدا عمل می‌کند و زمین را پر از قسط و عدل و نور می‌کند. و باز گفته‌اند که در عهد مهدی - مردم زر و سیم و گندم و جو ذخیره نمی‌کنند - لباسهای گرانبه‌ای از خز و حریر نباشند و طعام حبس نکنند و به‌کم راضی شوند - لباسهای خشن پوشند و گونه بر خاک نهند - هر کس با خود چنان رفتار کند که با دیگران می‌کند، همان پوشد که دیگران، سوار شود که دیگران، حاجب و درباری نباشد

بقیه در صفحه ۲

توسطه امپریالیسم و صهیونیسم را در جنوب لبنان محکوم کنیم

ضوابط و معیارهای...

بقیه از صفحه یک

و می‌کنیم ولی به عملکرد واقعی آن توجه نداریم که «إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ مَوْجِبُهَا عَنْ سَعِيرٍ» ما با نفسهم خداوند وضعیت (شرایط زندگی) مردمی را تغییر نمی‌دهد پیش از آنکه آنها شخصیت خود را تغییر دهند. این یک قانون تغییرات اجتماعی است.

می‌خواهیم به استقلال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برسیم و کلیه وابستگیهای خود را به استعمار و امپریالیسم قطع کنیم و حرف آنرا می‌زنیم اما قواعد آنرا نمی‌شناسیم. می‌خواهیم ظلم از بین برود، فقر و بیعدالتی ناپدید شود، فساد نباشد، انحراف و کجروی نباشد دروغ و تبلی، خودخواهی و تجاوز و زورگویی نباشد اما چگونه تحقق این ایدها را مطرح نمی‌کنیم. می‌خواهیم اختلاف نباشد و همه در یک صف واحد برای هدف مشترک تلاش کنند، اما اصول و زمینه‌های وحدت را نمی‌شناسیم و یا باز نمی‌کنیم.

روز اول، دولت تنها وظیفه خود را استقلال قدرت از رژیم قبلی به رژیم جدید می‌داند. لذا با درخواست تغییرات بنیادی بدست مخالفت می‌کشد و نسبت بدان بی‌اعتنا می‌نماید. اگر می‌گفتیم، انتقال قدرت یک تغییر محل مکانیکی نیست که شما ایزاری را از یک نقطه بردارید و در محل دیگری بگذارید تحویل سند مالکانه یا امانیه و میراث مرده به‌وراثت نیست، حتی انتقال قدرت از یک دولت به دولت جدید هم نیست. پلی اگر در رژیم گذشته هویدا می‌رفت و شریف‌امامی می‌آمد انتقال قدرت بسادگی انجام می‌پذیرفت و به تغییرات انقلابی احتیاجی نداشت. اگر در اندیشه شما انقلاب همان تغییر دولت و شاه بود حق داشتید به چیزی جز یک انتقال ساده فکر نکنید. در صورتیکه انتقال قدرت در یک حرکت انقلابی محدود به عوض کردن رؤسای ادارات و تحویل گرفتن وزارتخانه نیست. این نوع انتقال بشرطی درست است که نخواهید اساس رژیم و نظام اجتماعی گذشته را برهم بزنید. چنانکه اعتقاد و پیش شما همین بوده و هست. که با اساس کار ندارید و دقیقاً اشکالات به همین دلیل حل نمی‌شود و مسایل هرروز پیچیده‌تر می‌گردد. زیرا مردم انقلاب کرده‌اند و تغییرات انقلابی را طالبند.

در یک انتقال ساده قدرت در شرایط غیرانقلابی، نه مردم انتظارات زیادی دارند و نه عناصر و مهره‌های رژیم احساس خطر جدی می‌کنند. اما در شرایط انقلاب مردم خواهان تحقق آرزوهای خود هستند و عناصر وابسته به رژیم گذشته هم برای حفظ موجودیت و موقعیت خود تلاش می‌کنند و مقاومت می‌ورزند. به همین جهت انتقال طبرغم تصور اولیه شما بسادگی انجام نگرفت.

حالا فهمیده‌اید که برای انتقال واقعی قدرت از رژیم گذشته به مردم، نباید تغییراتی اساسی در سازمانها و تأسیسات و نهادها و روابط و مناسبات اجتماعی پدید آورید.

برخلاف گفته شما این حقیقت را از روزهای نخست یادآوری می‌کردیم و روی آن پافشاری می‌نمودیم و تنها شما متکرر ضرورت آن بودید، اما حالا هم که کم و بیش ضرورت انجام تغییرات اساسی را پذیرفته‌اید، تلاش برای فراهم آوردن دو شرط اصلی آن از جانب شما مشهود نیست.

برای تغییر باید که...

شرط اول داشتن یک نظریه درباره تغییرات و آگاهی بر شرایط و قوانین تغییرات میباشد و شرط دوم وجود انحصاری است که شخصیت و خصلت‌های آنها متناسب با هدفهای انقلاب باشد. گفته‌ها و اقدامات شما نشان میدهد که اعتقادی به تغییرات انقلابی ندارید و جامعه را هم آماده چنین تحولی نکرده‌اید.

از مردم تسبیح و سکوت و آرامش طلب می‌کنید و می‌خواهید که بدون سروصدا به کار جزیی سازندگی بپردازند اما هیچ فکر کرده‌اید که چه چیزی و بر چه پایه‌ای می‌خواهید بسازید. سازندگی در اندیشه بسیاری از مسئولین امور همان تجدید بنای نظام گذشته است نه ساختن نهادهای تازه انقلابی. این نوع سازندگی چیزی را عوض نمی‌کند و کسی برای آن دل نمی‌دهد. جوانان و توده محروم و انقلابی با این نوع سازندگی که هدفش تجدید بنای ساختمان در هم شکسته و متزلزل و پوسیده قبلی است، موافق نیستند. سازندگی انقلابی تعریف و معنای دیگری دارد - اگر هدف ساختن بنای تازه‌ای

است چاره‌ای ندارید مگر آنکه بی‌های پوسیده نظام گذشته را ویران کنید و شالوده تازه افکنید و بر بنیان استوار و جدید ساختمان جامعه انقلابی را بسازید.

وقتی می‌گوئیم بر پایه‌های پوسیده نمی‌شود ساختمان تازه را بالا برد جواب می‌دهید هدف شما فقط تحزیب است. آیا می‌توانید بگوئید که تحزیب بطور مطلق کار غلطی است؟ در اینصورت نباید رژیم سیاسی شاهنشاهی هم خراب میشد. تحزیب نظام گذشته و بنیانهای فاسد آن لازم است - تحزیب در کار سازندگی محکوم است.

با روشنفکر انقلابی و متعهد میسر است؟ وقتی جوانان مسلمان و مبارز ما می‌بینند بعضی روحانیون هنوز هم بر مبنای اندیشه‌های کهنه و غیراسلامی خود برای تلاشها و مجاهدتهای عملی و فکری کسانی چون دکتر شریعتی ارزش قائل نیستند و تأثیر فکر و عمل آنها را در تحول و انقلاب فکری نسل جوان و در تجدید حیات اسلام اصیل و در ساختن زمینه‌های انقلاب نه فقط نادیده می‌گیرند که حتی آنرا نفی می‌کنند و یا هر روشنفکر مسلمان و متعهدی که با نظریات کهنه آنان موافق نباشد یک جا در کنار افراد غرب‌زده و شرق‌زده قرار داده فوراً متهم بدانشتن افکار انحرافی می‌کنند، چگونه به ندای وحدت شما پاسخ مثبت دهند؟ انتظار همه مردم و جوانان انقلابی و مسلمان از آیت الله منتظری که در تقوی و صداقتشان کسی

انقلاب یک دگرگونی اساسی در ساخت جامعه است که با اصلاحات کاملاً فرق دارد.

سازندگی در اندیشه بسیاری از مسئولین امور همان تجدید بنای نظام گذشته است نه ساختن نهادهای تازه انقلابی...
صفاها را از هم متمایز و جبهه مستضعفان و انقلابیون اصیل را از مستکبرین و فرصت‌طلبان جدا کنید.

پس شرط اول آن است که پایه‌های ضد مردمی و ضداسلامی نظام کهنه بکلی خراب و زمین برای ریختن شالوده‌های نو آماده و صاف گردد. و اساساً شرط دوم: بدنبال اقدام در مرحله اول شرایط برای تغییر افکار، روحیه‌ها و اخلاقیات فراهم میشود. اخلاق و رفتار فعلی بسیاری مردم که با کسار سازندگی و با تقوی و صداکاری و صحت عمل و سرعت عمل و ابتکار و صداقت و باکی و قناعت و صبر انقلابی - هم‌انگهی ندارد - زانگینه شرایط اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی رژیم گذشته است. اگر آن شرایط باقی بماند روحیه‌ها و اخلاقیات مربوط به آنها ادامه می‌یابد. در اینصورت فقط با موعظه و پند و اندرز نمی‌شود مردم را عوض کرد. که اگر مؤثر بود در رژیم‌های گذشته هم سالها می‌سپار بر بالای منابر و پشت تزیینوها و در کلاسهای درس موعظه اخلاقی بعمل می‌آمد.

تغییر در رفتار و روحیه مردم باید با تغییرات اجتماعی و با آزمایش و تجربه همراه باشد. بدون درگیری و بدون ابتلاء آدم‌ها عوض نمی‌شوند و اخلاقیات تازه جایگزین نمی‌گردند. شما مناسبات بسایه‌های گذشته را در هم فرو بکوبید و در این درهم کوبیدن مردم را شرکت دهید، آنوقت می‌بینید که چگونه روحیه‌ها عوض می‌شود. آنگاه مردمی که در تحزیب عوامل فساد و قطع ریشه‌های ظلم و بدبختی شرکت کرده‌اند خود آماده ساختن و سازندگی می‌گردند - قدرت تسخیر و ظرفیت فداکاری و صبر انقلابی آنها افزایش می‌یابد - وحدت و همراهی و همدلی تحقق پیدا میکند.

چگونه وحدتی و با چه کسی...

از وحدت حرف می‌زنید. وحدت بین روحانی و روشنفکر - بین نیروهای مختلف، بین اقوام و بین همه مردم، اما درباره زمینه‌های وحدت حرفی نمی‌زنید و برای ایجاد آن اقدام نمی‌کنید - عوامل اختلاف و سؤظن کدامند؟ هدفها اغلب مشترکند اما عملکردها تفاوت دارند. حضرت آیت‌الله منتظری که طالب وحدت هستند، باید توجه کنند که اگر تعریف درستی از جبهه روحانیون بدست ندهند - اگر از مطلق روحانیت صحبت کنند - مشکل حل نمیشود زیرا در اینصورت سؤظن جوانان روشنفکر باقی می‌ماند - عمل بسیاری افراد ملیس به لباس روحانی می‌پوشد که مخالف با مصالح ملت و اسلام است. تسا اصول مشترک روشن نشود صحبت از اتحاد بیهوده است. آیا وحدت بین سرمایه‌داری که نفع خود را در استثمار کارگر و در غارت ثروتها ملت و وابستگی به بیگانه می‌بیند با کارگر زحمتکش و مردمی که طالب استقلال و عدالتند میسر است؟ آیا وحدت بین مالکی که سی‌خواددها هزار هکتار اراضی مزارع خود را نگاهدارد و دهقان را استثمار کند با دهقان زحمتکش میسر است؟ آیا وحدت بین آن لیبرال یا دموکرات سازشکار و وابسته و جوان انقلابی مسلمان میسر است؟ آیا وحدت بین آن روحانی فرصت‌طلب و یا مرتجع و پای‌بند به افکار کهنه و منافع شخصی که در انقلاب کارشکنی می‌کرد و امروز مدعی است، با طلبه و یا روحانی و

بقیه از صفحه اول در جامعه توحیدی کار اساسی...
اندوخته‌ها و ذخیره‌ها را خارج کرده بین مردم تقسیم کند و اسلام را حاکمیت بخشد.
در جای دیگر از زبان پیامبر می‌خوانیم که - امت در زمان مهدی به نعمتهای بی‌سابقه متعم می‌شوند از آسمان باران فرو می‌ریزد و زمین از رویدادن فروگذار نمی‌کند مال بی‌ارزش می‌شود و هر کس چیزی محتاج شود گویند بگیر! مال را تقسیم می‌کنند در حالیکه شماره نمی‌کنند.
اسلام در بهره‌برداری از نعمت‌ها - اعتدال را می‌خواهد و اعتدال مساوی است با رفع احتیاج نه کم و نه بیش - نه محرومیت را روا می‌دارد و نه زیاده‌روی را تجویز می‌کند.
مال و ثروت اضافی را عامل سرکشی و طغیان برحق می‌داند زیرا مال اضافی وسیله‌ای می‌شود برای اعمال اراده و تسلط بر دیگران مال اضافی قی‌نفسه قدرت راست و شخص روی و سوسه‌های نفس از این قدرت برای پیش برد مقاصد شخصی، زیر نفوذ قرار دادن دیگران و یا افزودن بر آن استفاده کند. از این رو بطور قطع از جاده اعتدال و عدالت خارج می‌گردد قوانین و سنت‌های الهی را زیر پا می‌گذارد مثلاً مال اضافی را قرض می‌دهد و بهره از آن می‌گیرد و موجب استثمار و فقر و بدبختی دیگران می‌شود - بجای کار کردن مالی را بکار می‌اندازد، دو انحراف در همین جا پدید می‌آید انحراف اول که کار نمی‌کند، انگل و سربار جامعه میشود - انحراف دوم که محصول کار دیگران را با استثمار و یا کمک بهره می‌رباید و مالک می‌شود - انحراف دیگر نظیر زورگویی، اسراف و تبذیر، استکبار، برتری‌جویی، فخر فروشی، غرور کاذب بی‌احترامی به خلق و تحقیر مردم فسادکاری و عیاشی و... بماند. محرومیت هم به نوبه خود سرچشمه فساد و تسه‌کاری و ظلم و جنایت است. گرسنگی و فقر شخص را به استضعاف و بردگی و مزدوری می‌کشاند شخصیت انسانی او پایمال می‌گردد، تن به اطاعت و بندگی می‌دهد به گناه و خطا و خیانت می‌افتد و اگر هیچکدام از این انحرافات رخ ندهند، رنج و آسوده او را از بسای در می‌آورد و لذت زندگی و امکان عبادت و کسب علم و تکامل را از او می‌گیرد. بر این اساس قرآن سقرا هم همانند مال‌اندوزی از نتایج عمل شیطان می‌داند - «الشیطان يعدکم الفقر و یامرکم بالفحشاء و اله يعدکم مسخرةً و فضلاً و اله واسع علیهم» سقره ۲۶۸ - شیطان بشما وعده فقر و امر به فحشاء می‌دهد و خدا شما را وعده آموزش و تقوی و نهد و خدا گناایش دهنده داناست.

امام علی هم ثروت و فقر هر دو را محکوم و عامل رنج و فساد می‌شمرد «اگر توانگر مالی بساید به طغیان افتد و اگر نادانی بی‌بازدش به بلا و سختی دچار شود. اگر گرسنگی هجوم آورد ضعف از پای درآوردش و اگر در سیری افراط شود سیری شکم به رنج افکندش - پس هر کمبودی زیان‌بخش و هر اسراف و فسزونی فسادانگیز است»
سالها، بلکه قرنهاست، مناسباتی که هرگز توحیدی و اسلامی نیستند اسلامی معرفی شدند و مشروعیت یافتند. نزدیک به چهارده قرن که از عصر رسالت پیامبر می‌گذرد، آثار نظام اجتماعی که رسول خدا در مدینه برپا کرد، بکلی از بین رفت و سنت‌های خدائی فراموش شدند و ارزشهای نوینی که در اثر انقلاب توحیدی بر جامعه و بر زندگی و روابط مردم حاکم شده بود، لگدمال حکام ستمگر و متجاوزان به‌آزادی‌ها و اموال مردم گردید. از آنجمله، سنت خدائی و انسانی که بموجب آن، همه افراد جامعه به‌اتحاد کار خلاق و مثبت خویش، زندگی می‌کردند، جای خود را به ارزشهای تازه‌ای که در عهد جاهلیت و در جوامع طبقاتی رواج داشتند داد و دگر بار عوامل دیگری بجز کار وسیله کسب درآمد و ایجاد مالکیت و تصاحب کالا قرار گرفتند. پیش از ظهور اسلام و برقراری جامعه توحیدی در مدینه، آنها که مالکیت بیشتری داشتند صاحب اراضی، نخلستانها و باغات و موانی و دامها و خانه و مستغلات بودند، کمتر کار می‌کردند و یا اصلاً کاری انجام نمی‌دادند، بعضی کسانانی که تمام عمر و روز و شب، در مزارع و نخلستانها، بشخم و زراعت یا در قنات‌ها بکندن خاک و جاری ساختن آب و در شهرها به‌ساختن خانه‌ها و خشت‌زنی و گل‌کشی اشتغال داشتند کسانی که، در خانه‌ها به‌خدمتکاری و در صحرا و مراتع به‌چوپانی و ساربان، و یا در کارگاهها و مغازه‌ها به‌کارهای دستی، آنتگری و پیشه‌وری روزگار می‌گذراندند، خود محروم از دستاوردها و ممنوع از تملک و تصاحب محصول کار خویش و نعمت‌های خدادادی بودند.

تملک انحصاری بر منابع طبیعت و محصول کار انسانها

بقیه در صفحه ۱

در سوگ پدر طالقانی

هان ای شبان پیر
ای از تبار شهبانان شورشی
بعد از تو گرگهای مزور
با پنجه‌های کور تعصب
دور از نگاه تیز تو چوپان
آسوده بره‌های جوان را
خونین به‌خاک فرود آرند
اینک پس از ترنم داوود
در مجلس به‌سنت پائیز
زاغان به‌قار قار جری‌تر برآمدند
ای آفتاب بام خانه
ای ماهتاب شام دل ما
خفاش‌های صنف جهالت
با خنده‌های شوم متبیت
کشتار نور را
حالی شبانه جشن گرفتند
ای مرگ بر تصور کوران
وی زنده باد نام تو خورشید
آوچ به‌ما بدون تو آوچ!

زمین در اختیار کسی است که روی آن کار میکند و محصول از آن اوست

کندو کاوی در مسائل اقتصادی قانون اساسی

گفتگویی با استاد حسن توانانیان فرد

بسم الله الرحمن الرحيم

راجع به پیش نویس قانون اساسی متأسفانه باید عرض کنم که اصول اقتصادی پیش نویس قانون اساسی به هیچ وجه اسلامی نبود و در تذکراتی که به مجلس خبرگان در این مورد داده شد در بعضی از این اصول اقتصادی که خیلی هم زیان آمیز و غیر اسلامی است قرار بود که یک تغییراتی بدهند که البته تغییراتی دادند ولی نه به آن صورت که مایهت خداست آن تغییر نکند.

اصل (۶۰)

مهم ترین اصلی که مطرح بود در پیش نویس قانون اساسی و از نظر اقتصادی جامعه ایران را وابسته به غرب و به بیگانه میگرد و به امپریالیست ها امکان میداد که صنایع و معادن و کشاورزی ما را در انحصار خودشان بگیرند اصل ۶۰ بود کمیسیون اقتصادی مجلس خبرگان در این اصل تغییراتی داده است و بالاخره باین شکل آنرا آورده که میگوید در قلمرو بخش عمومی دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجاری صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات از طرف دولت ممنوع است مگر به حکم ضرورت و با تصویب مجلس شورای ملی در قسمت اول باید گفت که چرا تنها در قلمرو بخش عمومی دادن امتیاز به بیگانه منوط به تصویب مجلس شورای ملی است در دادن امتیاز تشکیل شرکت و مؤسسات در قلمرو بخش خصوصی نیز باید مجلس شورای ملی در مورد بیگانگان نظر داشته باشد و از همه مهم تر اینکه خود این اصل امکان میدهد به بیگانه که بپایند در بخش عمومی و خصوصی، اداره صنعت و تجارت و کشاورزی و معادن و خدمات را بدست بگیرد می دانیم که بیگانه هدفش از تشکیل یک شرکت یا یک مؤسسه در مسائل کشاورزی، صنایع و معادن یک هدف استعمار گرانه است بنابراین ما نمی توانیم امروز این تضمین را بدهیم که اعضای مجلس شورای ملی صددرصد آدم هائی هستند که امکان نمی دهند که بیگانه بپایند و برخلاف منافع ملت شرکت های نفت، گاز، برق، آب، تلفن و غیره را بگیرد و اداره کند مسلماً اگر مجلس شورای ملی امتیاز تشکیل شرکت تلفن و برق یا گاز یا نفت یا هواپیمایی، این مملکت را داد به خارجی معلوم است که ما را به بند می کشند و استعمارمان می کنند و این اصل این امکان را باز گذاشته یعنی هیچ جای بر این اصل اشاره نشده است که نباید به بیگانه امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات را در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی و معادن را داد باید این اصل کلاً از بین برود و جایش گفته شود که ایرانی میتواند شرکت های عمومی تجاری و غیره را خود تشکیل دهد و بعد در مورد نیازش به خدمات علمی و غیره از بیگانه بعنوان مستخدم استفاده نماید.

اصل یازدهم (۱۱)

اصل دیگری اضافه شده تحت عنوان اصل یازدهم در جمهوری اسلامی حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های فردا باید در آن حیات اجتماعی رو به رشد داشته باشند وظیفه عمومی تلقی میگردد از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست و یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است. این اصل و اصولاً اصل های شبیه آن مثل اصل (۱۲) که می گوید مالکیت شخصی از قبیل منزل و دیگر وسائل زندگی که از راه مشروع بدست آید محترم است و بعضی دیگر از اصول خیلی ضعیف تنظیم شده و می توانسته خیلی پرمحتوی تر باشد اصل (۹) - از اصل (۹) میشود بپهیم که اعتصاب در جامعه ممنوع است. حالا این شده اصل دوم (۲) اقتصاد قانون اساسی که آمده اند همان اصل (۹) را سه چهار خط اضافه کرده اند و بعد خود اصل را آورده اند و اصل اینکه نظام اقتصادی اسلام بر این اصل متکی است که مالکیت از آن خداست و انسان از طریق کار خویش حق بهره برداری از طبیعت و منابع آن و مالکیت بر حاصل کار خویش بدست می آورد بدین قرار مالکیت بر اساس کار و یا انتقال

آفرین است یعنی برخلاف اسلام است چون اینها محصول کار دیگرانند و در اقتصاد اسلام به مالکیت خصوصی در نمی آید در این قانون اساسی می گوید فقط صنایع مادر، خوب در هر اقتصاد سرمایه داری صنایع مادر جزو صنایع دولتی است بعد می گوید زمین و دریا و فضا، خوب چرا زمین؟ مسکن هم نباید بمالکیت خصوصی در آید. مسکن جزء نیازهای ضروری است که اگر به مالکیت خصوصی در بیاید استعمار آفرین است. پس باید از مالکیت خصوصی خارج شود ولی آیا باید به مالکیت دولتی درش آورد یعنی وقتی کسی این قانون اساسی در حد تصحیح نشده است را مطالعه می کند اقتصاد انگلستان بخاطرش می آید چون اقتصاد انگلستان اقتصاد مختلط و مرکب از دو بخش است، بخش عمومی و خصوصی، بخش عمومی صنایع مادرند، هواپیمایی، کشتیرانی، راه آهن که در خود ایران هم می گوئیم

همان غیر قسطی بودن قانون اساسی چون قرآن میفرماید هدف از ارسال رسل و انزال کتب استقرار قسط بوده است یعنی باید هر راهی که سبب شده عدای عده دیگر را استعمار کنند یعنی استعمار انسان از انسان و ابرقدرت ها ما را استعمار کنند بسته شود و این اصل که در قانون اساسی تحت عنوان اصل ۵ قسمت اقتصادی آورده اند این راه را باز میگذارد و هم امکان میدهد به کار فرما و صاحب کارخانه که کارگش را استعمار بکند.

اصل (۶)

و اما اصل ششم متن اصلاحیه پیش نویس که میگوید، در قلمرو مالکیت دولتی باید به تدریج اداره واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی، دامداری و خدمات به شوراهائی که نمایندگان کارکنان آن واحد در آن عضو میشوند واگذار گردد. امروز که مسئله شوراهای مطرح است در کارخانه ها

— آنچه که این قانون اساسی اسلامی باید روشن کند اینست که مالکیت خصوصی کارخانجات که استعمار آفرین است باید تبدیل شود به اصل خدا مالکی نه مالکیت دولتی!

— اگر صنایع به مالکیت خصوصی در آید موجب استعمار انسان از انسان میشود

— مسکن هم نباید بمالکیت خصوصی در آید، مسکن جزء نیازهای ضروری است که اگر به مالکیت خصوصی در آید استعمار آفرین است

— وقتی انسان این قانون اساسی در حد تصحیح شده اش را مطالعه می کند اقتصاد انگلستان بخاطرش می آید

راه آهن دولتی ایران و... اینها چیزهای واضحی است که در هر اقتصاد سرمایه داری پذیرفته شده است.

آنچه که این قانون اساسی اسلامی باید روشن کند اینست که مالکیت خصوصی کارخانجات صنعتی امروز که استعمار آفرین است باید تبدیل شود به اصل خدا مالکی نه مالکیت دولتی برای اینکه در کشورهایی مثل انگلیس مالکیت دولتی که هست تجربه علمی و آمار و ارقام نشان میدهد که بخش دولتی بهروری در کارخانه کمتر دارد. بنابراین دولت بعد از چندی ناچار میشود آنرا به بخش خصوصی منتقل کند.

یعنی نه بخش دولتی باشد و نه خصوصی بلکه بخش مشمول اصل خدا مالکی شود که یک شورای مراجع آگاه که دارای مشاورین متخصص در کلیه زمینه ها هستند اینها حق تصمیم گیری نهائی را در مورد بکار بردن ابزار تولید داشته باشند و دولتها نتوانند در مورد ابزار تولید بر اساس تصمیمات خودشان و در راه فرضا بقاء خودشان از کلیه ابزار تولید جامعه استفاده بکنند بخش خصوصی چه بخشی است؛ اصل مذکور تعریف می کند که بخش خصوصی آن رشته هائی از صنعت کشاورزی، دامداری و خدمات را که در قلمرو فعالیت بخش عمومی و تعاونی قرار نگرفته است در بر گرفته و این بخش بنابراین شامل کلیه فعالیت های اقتصادی، کشاورزی میشود که در دوره طاغوت هم جزء بخش خصوصی بود یعنی قسمت اول این اصل کلیه تأسیسات اقتصادی که در دوره طاغوت هم دولتی بود مثل آب، راه آهن، هواپیمایی، کشتیرانی، جنگل ها، مراعات همه اینها را می آورد جزء سرمایه داری دولتی یعنی بخش دولتی.

بنابراین بخش خصوصی میشود کلیه کارخانجات تولیدی (سیکان، آریا، شاهین، زیان، آرج، آزمایش و...) در حالی که ما می دانیم مالکیت خصوصی این کارخانجات که همان مشخصه سیستم سرمایه داری است به استعمار انسان از انسان ختم میشود.

بعد از همه مهم تر اینکه در این اصل با اینکه بارها به مجلس خبرگان نوشته شده که بنویسید در قانون اساسی که هیچ دولتی حق ندارد صنایع مونتاز را حمایت بکند و گسترش بدهد چون صنایع مونتاز در راه به بند کشیدن منافع جامعه است با این همه اشاره به صنایع مونتاز شده یعنی بخش خصوصی که انگیزه فعالیت هایش کسب سود خصوصی است برای بالا آوردن سود خودش سعی می کند هر چه بیشتر صنایعی مانند، کارخانجات ماشین سازی مونتاز و غیره را بیشتر گسترش بدهد و ایران را به کشورهای امپریالیستی وابسته بکند یعنی هم خودش مردم را استعمار کند و هم اجازه بدهد امپریالیسم جامعه را استعمار بکند و این یعنی

همان چیزی که خیلی سروصدا راه انداخته است البته خود شورا در اسلام قابل احترام است. ولی شورا در کدام کارخانه میخواهد بوجود بیاید؟ در کارخانه های مونتاز؛ بیان کردن این شعار تشکیل شورا در کارخانه های مونتاز یک شعار انحرافی است الان به جای اینکه ما توجه کارگران و مردم را به مایهت استعمار گرانه و مایهت ضد مردمی این صنایع مونتاز جلب بکنیم توجه ما را منحرف میکنیم به طرف اداره این صنایع میگوئیم باید کارخانجات ایران ناسیونال توسط کارگران اداره شود. امپریالیست برایش فرق نمیکنند که کارخانجات ایران ناسیونال توسط کارگر اداره شود یا توسط سرمایه دار و میخواهد ایران ناسیونال سرپا باشد گسترش پیدا بکند که ۷۰٪ لوازم پدکی از انگلیس بخرد که وابستگی اقتصادی ما به انگلیس بوجود بیاید که کشاورزی ما در اثر گسترش صنایع مونتاز از بین برود. در آن نوشته صنعت مونتازی زبان های اقتصادی - اجتماعی این صنایع مونتاز را آورده ام که در اینجا تکرار نمیکنم.

میگویند با تشکیل شوراهای کارگری در کارخانجات مونتاز روابط استعماری حاکم بر کارخانه از بین می رود باید گفت که روابط استعماری حاکم بر کارخانه از مایهت خود کارخانه سرچشمه گرفته است پس اگر کارگران در رأس کارخانه قرار بگیرند این کارگران در راه دارند یکی اینکه با خودشان مبارزه بکنند و خودشان را از بین ببرند دیگر اینکه امکان بدهند کارخانه گسترش پیدا بکند و ما می دانیم هیچکس علیه منافع خودش قیام نمیکنند. این طریقی بود که طاغوت و امپریالیسم در تمام دنیا میخواست پیاده بکند یعنی مالکیت صنایع مونتاز را به کارگران بدهند. چون وقتی کارگر احساس کرد مالک صنعت مونتاز هست هیچوقت صنعت مونتاز را از بین نمی برد چون از بین بردن صنعت مونتاز را از بین بردن خود. از نظر علمی هیچکس علیه منافع خودش نمیتواند قیام کند پس تا دادن مالکیت کارخانه مونتاز به کارگران و دادن حق اداره کارخانه مونتاز به آنان کارگران را در شرایطی قرار میدهم که ناچار به حفظ کارخانجات مونتاز و صنایع مونتاز شوند چون از بین بردن صنایع مونتاز از بین بردن خودشان تلقی خواهد شد و این یک توطئه علیه کشورهای در بند کشیده شده است. باید این را دائم به کارگران بگوئیم که آنچه زبان آفرین است برای شما طرز اداره این کارخانه نیست، نوع مالکیت این کارخانه ها نیست بلکه وجود این کارخانه هاست.

این کارخانه ها چه توسط کارفرما اداره شود چه مالکیتش در دست کارفرما باشد همان زیانی را دارد که مالکیتش در دست شما باشد و اداره اش در دست شما باشد. چرا؟ چون این کارخانه ها چه بوجود می آورند؟ تورم، چه بوجود می آورند؟ کشاورزی

و اردانی سرگ کشاورزی بوسی چه بوجود می آورند؟ کمبود مسکن چه بوجود می آورند؟ بد بودن کیفیت خدمات شهری یعنی کیفیت خدمات پزشکی باین می آید آموزش و پرورش کیفیت خدماتش باین می آید. مجبورید به سه هاتون در مدرسه یک کیفیت برسوند. فقط صبح برسوند بعد از ظهر نرسوند. مجبورند یک روز در میان حتی برسوند این صنایع مونتاز که چرا این مشکلات را بوجود می آورد در نوشته مونتاز آورده ام. پس صنایع مونتاز ناسیونالیتهای اقتصادی در جامعه بوجود می آورد صرف نظر از نوع مالکیت و نوع اداره اش و امپریالیسم برای اینکه توجه ما از مایهت استعمار گرانه این صنایع مونتاز منحرف شود حاضر است حتی سرمایه داران اولی خودش را جلوی قربانی بکند و روی اجساد آنها کارگران مالک بشوند. برای او وجود صنایع مونتاز مهم است چون وجود کارخانجات مونتاز است که نوسانات و بحران های اقتصادی بی کاری انگلیس و آمریکا را حل میکند. چرا برای اینکه ما لوازم پدکی این کارخانه را از آنها وارد کردیم کارخانه های سازنده این لوازم آنها کار می کنند و مشکلات اقتصادی برای ما بوجود می آورد. مانند مشکل ترافیک، هر کاری بکنند طرح اتوبوس حلقه ای - یک طرفه - بی طرفه - چون ترافیک بیماری ناشی از نیروی صنایع مونتاز است حل نمیشود مگر صنایع مونتاز از بین برود. تورم حل نمیشود مگر صنایع مونتاز از بین برود کشاورزی وارداتی و وابسته ما حل نمیشود مگر صنایع مونتاز از بین برود تاروی که صنایع مونتاز گسترش پیدا میکند محال است جهاد سازندگی بتواند کشاورزی ما را زنده بکند و ما دارای یک کشاورزی خودکفا باشیم این تجربه جهانی است. تمام کشورهای امریکای لاتین که قبل از ما تجربه مبارزات ملی و ضد امپریالیستی داشته

تشان دادند که گسترش و وجود صنایع مونتاز سبب میشود که حکومت های ملی بزانو در بیایند چون نمیتوانند مشکلات اقتصادی را حل بکنند. چون این مشکلات اقتصادی زائیده وجود این صنایع مونتاز است از نظر علمی و تا این صنایع است آن مشکلات است و چون حکومتها نمیتوانند مشکلات اقتصادی را از بین ببرند مردم که از این مشکلات و ناسیونالیتهای اقتصادی در نرسند ناراضی میشوند و آسوبهای سیاسی بوجود می آورند. حکومت های ملی را بزانو در می آورند و ابرقدرت ها دستشان را می آورند جلو و کمک می کنند که حکومت های ملی از بین برسوند. صنایع مونتاز ام الفساد است این ام الفساد را چه کارگر اداره اش بکند و چه سرمایه دار باز هم ام الفساد است و اگر کارگر مالک بشود چه طاغوت هم حاضر بود مالکیت کارخانه ها را به کارگران بدهد و اگر کارگر اداره اش بکند مسلم بهتر از این است که سرمایه دار اداره اش بکند ولی باز دردها هست و بدتر خواهد شد.

چرا چون کارگر آن روز با تمام وجودش فعالیت میکند که کارخانه تعطیل نشود چون تعطیل بشود او نان ندارد بخورد آن زندگی از بین می رود وابسته شده به این کارخانه و این کارخانه هم که لوازمش باید از خارج بیاید مملکت را نابود میکند. و هم در یک دور وابستگی محسوس میشوند. لذا باید توجه کارگران را به مایهت ضد مردمی و مالکیت استعمار گرانه صنایع مونتاز معطوف گردد و نه به تشکیل شوراهای برای اداره اش. این سبب نشود که بعضی فکر کنند که ما با شورا مخالفیم. شورا و تشکیل آن و اداره شورائی واحدهای تولیدی جزئی از اقتصاد اسلام است ولی نه صنایع مونتاز. در قانون اساسی باید مسئله صنایع مونتاز که کلیه ناسیونالیتهای اقتصادی از آن سرچشمه میگردد. اصلش اضافه بشود و گفته شود که نباید دولتها این صنعت را تسویق کند بلکه باید دولتها بگویند که به کشاورزی اولویت بدهند.

ادامه دارد



پدر....

وقتی پدر رفت
خلق تنها شد و اشک ریخت
و ارتجاع خندید
خنده‌ای از عمق سیاهی‌های شوم.
خنده ارتجاع را موقعی دیدم،
که سرمایه‌دار پیر محله‌مان، سیاه پوشیده
و عزا گرفت
و برای پدر خلق اشک ریخت
خلفی که سالها به دستش، استعمار شده
بودند
و من برای نخستین بار به چشم خود، دیدم
که می‌شود.
در شادی و بزم هم سیه پوشید
خشمگین برخواستیم، و دست به سوی تفنگ
بردیم
آنگاه،
از ترس بخود لرزیدیم
و از کینه بخود پیچیدیم
که می‌دیدم، زر و زور و تزویر هم
طالقانی عزیز را به اوج می‌برند،
ولی نه برای قدرش،
که می‌برند تا از اوج بر زمینش
بکوبند.
اشک چشمانم را بر کرد،
و نالیدم:
آه، چه زود دوباره ماشه را،
باید فشار دهیم.
تنم داغ شده بود،
و چشمم سرخ
با خود گفتم،
باز هم قیام
و باز هم اسلحه.
درد سردی قلبم را می‌فترسد، که ناگهان،
صدایی شنیدم
برگشتم، تصویر پاک پدر را
با آن لبخند گرم
در مقابل خود دیدم
نگاهم می‌کرد و چه مهربان
احساس کردم که آرام می‌گوید:
فرزندم، منتظر باش
بگذار ابتدا اسلحه را،
آنها بیرون بکشند.
تفنگ از دستم افتاد
و من
اشک ریزان
به‌آغوش پدر پناه بردم
و زار زدم که پدر، تا ابد،
پیش ما بمان
و احساساتمان را، پاس دار
و ما را باز هم به مقاومت،
و صبر بخوان
هرگز تنهایمان نگذار.
که بی‌تو کسی نیست،
که عصیانمان را هدایت کند.
و خشممان را ولایت
و کسی نیست که امیدمان بخشد.
و بر دردهامان مرهمی بگذارد.
پدر با ما باش و یا آسمان را
امیدکن.
مگر نه اینست، که ناامیدی کفر است؟
ما نمی‌خواهیم، کافر شویم.
(ع - الف - ابوذر) ۵۸/۶/۳۰

«شهادت و شوری»

باغی بود، بی گل و بی درخت، بی درو بیوار،
بی باغبان.... پر از شغال و گریگ و روباه و مار و
موش، تنه سوخته و سرد درختان بر از زخم تبر بود
پر از خاکستر، برگها تیره و چرک و پلاستیده، گل
دبری بود در باغ تروئیده بود.
باغ در چهارراه دنیا بود. گاهی اگر نهال جوانی
شاخه میزد، به تیزاب آتش میدادند، غریبه‌ها لگزش
میکردند. شغالان شکوفه‌اش را به دندان می‌کشیدند
و اگر نهال جان سختی میکرد و خود نمیرید و قامت
می‌کشید، سبیده‌دم دور از چشم آفتاب قسامتش را
می‌شکستند و به آتش می‌سپردند....
در باغ هیچ صدایی نبود، هیچ نسیمی نبود، خون
در رگهای باغ مرده بود. باغ مرده بود.

باغبان آگاه و عاشق، با چشمانی مثل آفتاب و با
دستانی به‌نایب ابر و قلبی چون قلب زمین، روح روح
زمین، برافروخته و شوریده فریاد زد، که:
هلا! باغ! باغ! سوخته....
فریاد او خون بود در رگهای گل و گیاه، جان بود
در کالبدهای شکسته، آب بود بر پشانی بلند کوبیر.
آتش بود در تنور سرد قرون.... برق امید بسود در
چشمان حسرت روستائی. گرمی و شیرینی نان بود
در کام گرسنه و.... تو گویی که خدا بسود بر خاک
قدم هشته، «خضر سبزیوش» راهش را می‌سپوید،
مسح بر صلیب تاریخ گریه شوق سر داده و به همه
جسدهای زنده بیدار باش می‌دهد.
ریشه‌ها جان گرفتند، در گوش یکدیگر زندگی
را زمزمه کردند که هان! این صدای پای باران است،
صدای پای خدا! برگهای نازک علف گردن کشیدند و
چشم در چشم آفتاب به سلام خدا ایستادند.
تنه‌های سوخته چنار و نارون، گلبرگهای پاک
یاس، چشمان بیدار نرگس، جان تازه گرفتند، بنفشه
چنان نعره زد که خواب مدامش مرد، سرو که دیری
بودر دای سبزش را به یغما برده بودند به برگ نشست.
باغبان گل گله را در دست داشت، آرام و
مطمئن قدم برداشت. همه پر امید و خاموش او را
می‌دیدند. در میان باغ که حالا بسوی وحشی عطر
خاک فضایش را آکنده بود، باغبان با انگشتان محکم
و بلندش خاک را کنار زد. قلب باغ پیدا شد. زنده و
پر خون و تپنده - گل را در جان باغ در قلب خاک
کاشت، قامت راست کرد و آسمان را نگرست
خورشید عاشقانه و بی تاب بر خاک دمید و باران
بارید. آفتاب شعله میکشید و باران می‌بارید.
آنچنانکه خاک گرم و خیس شد، بوی عشق برخاست
و پنجه‌های پاهای پدر هنر باغبان در خاک که خیس
عشق بود فرو رفت. نَفحاتِ الرحمن بود، گل در قلب
خاک مثل برق و بسا در ریشه افشاند، قد کشید و
به شکوفه نشست.

«و عده خدا»

نفرین بر ارتجاع
این دیو زخم خورده که اینسان
محصول سالهای پیاپی -
جنگ و تلاشمان،
زندمان، شکنجه، تبعید و مرگ
این بهترین برادران مجاهد را -
وین خواهران مبارز را -
اینسان به مسخره میگیرد.
رویت هماره زرد،
چون شعله‌های آتش، -
چنین کتاب سوزان!
قلبت هماره سیه باد -
چون قلب مار دوش!
چنگت هماره خونین!
اما بدان
پیروزی نهایی از آن ماست، -
این وعده خداست.
و تُرِیدَانُ سَمْنِ عَلِیِّ الدِّینِ اسْتَضْعَفُوا فِی
الْأَرْضِ -
و تَجْعَلُهُمْ أَمَّةً وُ تَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِینَ.
۵۸/۶/۱۰ تهران
محسن - ممتحنی

«تسلیت»

چه زود گذشت!
آزادی را میگویم!!

بیچاره خواهرم، بدبخت برادرم!!
چه آسان جان دادند، خون دادند،
به امید آزادی فکر انسان،
نه آزادی یک نوع فکر و عقیده
که همه افکار و عقاید
چه شعارشان
قَبَشِیرُ عِبَادِ الدِّینِ یَسْتَمْعُونَ الْقَوْلُ
فَیَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ بود
ولی اینک، خواهر و برادر شهیدم
تسلیت بر شما باد
که دگر بار
تاریخ تکرار میشود
و عباسیان باز هم
اسلام را
به دربار میبرند.
۵۸/۷/۳ تهران
محسن - ممتحنی

هنر و سانسور

هنر، تجلی روح خلاق و آزاد بشری است که
همواره در تاریخ در تمام دوره‌ها و در متن تمدن‌ها و
فرهنگ‌ها و تمام مذاهب چه در جوامع ابتدائی و چه
در جوامع پیشرفته، رابطه‌ای نزدیک و پیوسته
همیشگی با محرومین و اساساً توده مردم داشته. چه
عمدتاً هنر ریشه‌های مردمی و انسانی دارد. اما هرگاه
همین هنر به‌زور یا تزویر و یا بسوسیله زور و سکه
توسط طبقه حاکمه و برخوردار از توده خارج شده و
در اختیار خداوندان دربار و سلاطین و روحانیون
وابسته قرار گرفته به مرحله ابتذال و لجنتی رسیده و
در راه بی‌پندوباری و هرزگی تا مرز بی‌نهایت نزول
کرده است چنین جلوه‌ای را در جمله «هنر برای هنر»
از دهان پاره گویان و بلندگویان وابسته به اشرافیت
می‌شنویم و تجلی چنین هنر هرزهای را در جوامع
سرمایه‌داری و طبقاتی می‌بینیم. سیستم سرمایه‌داری
و اساساً استثمارگران برای تزویر و ادامه استثمار
خود بهر وسیله‌ای دست می‌زنند یکی هم هنر می‌باشد
که جهت کور کردن فکر توده و مشغول نمودن آنان
به یک سرگرمی کاذب، شعار قلیج‌کننده «هنر برای
هنر» را میدهد و از این طریق به حیات انگلی خود
ادامه میدهد. پوستاندن و وارونه جلوه دادن حقیقت
یکی از خصوصیات این سیستم می‌باشد. برای
اینکار و منحرف کردن فکر مردم از شعار هنر برای
هنر استفاده مینماید. بدین ترتیب، عاملی که میتواند
باعث آگاهی مردم و حرکت آنان بسوی تکامل شود،
ابزاری برای اغفال ذهن و رکود فکری و تسخیر
مغزی و اشاعه نیازهای بیمار گونه و خواب‌آور
توده میشود. بطوریکه نمایش فیلم و تئاتر بصورت
ابزار تساهی و غفلت محرومان در می‌آید. در چنین
جوامعی (سرمایه‌داری)، هنر بسا خصوصیات
هیجان گرانی و سکس پرستی، مردم را به‌شور کاذب
در آورده و از نیازهای حقیقتشان باز میدارد. توده را
از خدمت به ایمان و به اجتماع بشری و خلق‌های تحت
سیستم جدا میکند و چون آرمان خاصی در جهت
مکتب صحن و مشخصی ندارد، بهر وسیله‌ای در
جهت کتمان حقیقت رو میکند.
اینک که حدود ۷ ماه از سرنگونی رژیم وابسته
به امپریالیسم بدست خلق انقلابی و بهر هری اصام
خمینی میگذرد، می‌بایستی شاهد تولد یک هنر
اصیل و مردمی در تمام اشکال آن می‌بودیم. اما بسا
انحصارطلبی عده‌ای و در اختیار گرفتن وسائل
ارتباط جمعی و بسا استفاده از احساسات بساک
مذهبی، این حرکت را مانع شدند.
عده‌ای زیر پرچم اسلام و مخفی شدن در پشت
نام امام در هر نهاد اجتماعی سنگ‌اندازی مینمایند.
در سیاست دخالت میکنند، در مسائل پیچیده
اقتصادی خود را صاحب رأی میدانند، در مسائل

فرهنگی نظر میدهند. در لباس اسلام تناس انقلابی
ظاهر میشوند و اینک سرو کله‌شان هم در مسائل
هنری پیدا شده. به‌حسب خلاقیت هنرمند جنگ
می‌اندازند و تجلی فکر آزاد هنرمند را می‌خواهند تا
بوسیله زور و حيله نابود سازند.
بعد از سالها فشار و خفقان که بوسیله ایادی
اداره سانسور در دوران رژیم منحوس گذشته، بر
هنرمندان متعهد اعمال میشد، و پس از آن تاریخ
سیاه هنر، که مزدوران و جیره‌خوران خود را هنرمند
می‌دانستند. انقلاب شکوهمند خلق، شکوفائی هنر
متعهد و هنرمند با ایمان را نوید میداد و امید خلق بر
این بود که روحهای هنرمند و آزاده و خلاق مسلمان
در جهت آرمانش و مکتب‌های اصالت هنر را به‌جامعه
باز آورد. اما متأسفانه امروز هم کم‌کم چهره شوم
سانسور دارد ظاهر می‌ود و بسجای هواست
هنری، روابط اربابان سانسور جایگزین می‌شود.
در گذشته رژیم به‌خاطر خصلت‌های ضدانسانی
خود مانع نمایش فیلمهای مردمی میشد، لذا برای
اینکار از طریق فرهنگ و هنر و عوامل
دست‌نشانده‌اش، دست به ایجاد اداره‌ای بنام سانسور
زده بود، که از این راه مانع رشد و آگاهی فرهنگی
توده میشد. پس از پیروزی در سرنگونی رژیم
مستبد، توده‌خواهان برچیده شدن بساط قید و بندهای
تکاملی شد و این مهم را باید از طریق رشد و آگاهی
فرهنگی در یک انقلاب فرهنگی مستمر انجام داد و
باید همواره شور و عطش انقلابی را در جهت آرمان
و عقیده در امت زنده نگاهداشت و احساسات آنان را
از طریق پیام و حرکت شهیدان بیدار کرد و آنان را
عاشقانه به میدان نبرد با مستکبرین فرستاد.
در جریان مبارزات مردم، گروهها و عناصر
مختلف به‌عکسبرداری و فیلمبرداری مشغول بودند.
از وزارت فرهنگ و هنر هم چند اکیپ مشغول تهیه
فیلمی بود که نتیجه آن یک فیلم دو ساعته مستند
بنام «برای آزادی» می‌باشد این فیلم در فستیوال
مسکو به نمایش در آمد و از نظر منتقدان، فسیلمی
درخور تقدیر بحساب آمد. و حال که درخواست
تکثیر این فیلم شده تا در اختیار مردم ایران قرار
گیرد از طرف «مسئولین» ایراد گرفته شده. با اینکه
فیلم را چند بسار مسئولین امر در وزارتخانه و
متخصصان و چند هزار نفر فیلم را دیده‌اند و بدون
استثناء فیلم را مفید در شرایط حاضر دانسته‌اند،
مغذالک عده‌ای کوله‌بین که نمیتوانند حقایق
مبارزات مردم را درک کنند، برای قضاوت در باره
این فیلم نوشته‌اند. فیلم نه‌داستان دارد و نه‌هنرپیشه.
فیلمی است مستند از پیگیری مبارزات ملت ایران
که در آن فعالیت همه گروهها و قشرها است.
بقیه در صفحه ۶



پیام طالقانی شهادت است و شورا

بقیه از صفحه ۱

سرمایه‌داری در ایران...

کارگر مهار شده بود، یعنی همان استعماری که می‌گویند او اینجا بوجود آورده بود، یعنی وقتی می‌گفتی من حق را می‌خواهم، می‌گفتند خود ارحم‌دیک وزیر در دربار است اگر زوربان می‌رسد بروید و بگیرید و اگر نمی‌رسد خوب حرف‌ها بکنید. و در ضمن بعد از آمدن گوردی طاعت‌زمان ما دو سال شد. ولی در اثر برکت انقلاب که الحمدلله ستر رسید، امام قیام کرد و ملت ایران هم بیدار شد چون اینها در مقابل انقلاب و کارگران رو سبیه بودند تپانه فرار کردند.

س - لطفاً واستگی کارخانه به کشورهای خارج را بفرمایند؟
ج - ما ورق از زاین می‌خریم، مونور از آمریکا می‌خریم، حداقل با ۵ کشور وابستگی داشته‌اند (ایتالیا، ژاپن، آمریکا، دانمارک و اسرائیل) که الان بنظر من فقط با اسرائیل قطع رابطه شده است.

س - سطح تولید در کارخانه چگونه است؟
ج - در جمع اگر حساب کنید ممکن است تولید اسال از پارسل کمتر شده باشد ولی نسبت به ساعات کاری که اسال داریم (بر اثر کمبود مواد) تولید از پارسل کمتر نیست.

(در اینجا چند نفر از کارگران در مورد حدیث کارگران در بالا بودن سطح تولید تا حد بسیار کمی توضیح دادند).
س - شما فکر می‌کنید کمبود مواد اولیه ادامه خواهد داشت؟

ج - این دیگر سنگی به وزارت صنایع و معادن دارد که کوشش بکنند اگر کمبودی هست اقدام نماید. چون ما اطمینان به مدیران نداریم.

س - الان اداره کارخانه بدست چه کسی انجام می‌شود؟
ج - در این کارخانه شورا و مدیریت بانفاق هم کارخانه را اداره می‌کنند ولی قدرت مدیریت بیشتر است.

س - مدیریت از کجا تعیین می‌شود؟
ج - مدیریت از طریق سهام‌داران که هیئت مدیره را تعیین و هیئت مدیره کادر اجرایی را تعیین می‌کند.

س - سهام‌داران چه کسانی هستند؟
ج - متأسفانه اینجا هنوز ملی نشده است، سهام آن ۲۰٪ سهام که در اختیار سازمان گسترش مالکیت قرار دارد که البته مال اشخاص مختلف است حدود ۱۷ هزار سهم خود کارگران دارا هستند، بقیه سهام مال اشخاص هست که می‌گویند ۶٪ کل سهام متعلق به خانواده ارحم‌دیک باشد.
س - آلان آقای ارحم‌دیک جزو هیئت مدیره هست؟

ج - خیر ایشان فراری می‌باشند ولی در این مورد شکی نیست که ارحم‌دیک با وجودیکه اینجا نیست بوسیله عمالشان نوی هیئت مدیره، سهام‌داران و مدیریت شرکت نفوذ دارد.

س - یعنی منافعی دویاره به حبش بر می‌گردد؟
ج - منافعی شاید بان صورت اولیه و بان اندازه نباشد ولی شک نیست که منافعی از طریق عمال ایشان تأمین می‌گردد.
س - خواسته کنونی کارگران چیست

ج - بزرگترین خواسته کارگران اینجا ملی شدن کارخانه است که البته شورا در این باره اقداماتی کرده است و با وزارت صنایع و معادن مکاتباتی کرده است و با وزارت صنایع و معادن مکاتباتی کرده است. مسئله پاکسازی ایحاست از عمال ساواک.

س - شما معتقدید که عمال ساواک هنوز اینجا هستند؟
ج - شکی نیست آقای طحی که الان رندانی هست و قلاً رئیس حفاظت اینجا بود خودش اقرار کرده که بازشته ساواک است و او اینجا شبکه حاسوسی بره انداخته بود. خوب سحر ایشان شبکه حاسوسی هنوز اینجا وجود دارد و صفحه شده و عمال کارفرما اینجا هستند.

س - آیا کارفرمایی که هنوز وجود دارد مستقلاً اعمال عود می‌کند و آیا شما معتقدید که کارفرما باید باشد یا اینکه شما به شورا معتقدید؟
ج - ما نمی‌خواهیم باشد، ولی کابون ما می‌گوید که شما فعلاً نباید کار نداشته باشید تا ما حساب اینها را تصفیه کنیم. اگر این شرکت ملی شد اینها منحل می‌شود، اگر ملی شد فعلاً قانون عملی می‌گوید اینها باشد، ولی ما هیچکدام راضی نیستیم اینها اینجا باشند. یعنی اینها بر سر جا معاند، سرمایه‌دار باید توی ایران از بین برود، اگر باشد که همان رزم طاغوتی است. ما نمی‌خواهیم ولی قانون هم ما اجازه نمی‌دهد که ما از اینها جلوگیری کنیم.

یکی از کارگران کارفرما ما مدیریت فرق می‌کند، کارفرما اصلاً نمی‌خواهیم داشته باشیم ولی مدیریت باید باشد، اگر مدیریت نباشد که نمی‌شود کار کرد. یکی دیگر از کارگران: بر اساس گفته قرآن: لیس الانسان الاماسعی، ما که کار می‌کنیم مالک کار خودمان هستیم و با در نظر گرفتن آیه: و شاور هم فی الامر ما اینجا شورا تشکیل دادیم ولی هنوز قدرت ندارد اما شک نیست که می‌خواهیم شرکت از طریق شورا اداره شود و این شورا قدرت اجرایی داشته باشد. البته مدیریت لازم است، یعنی باید باشد ولی شورا بعلمت عدم تخصص اعضای شورا نمی‌تواند بان صورت کار مدیریت را انجام بدهد بنابراین وجود مدیریت لازم است، اما مدیریت، کارفرما نیست.

ادامه دارد

بقیه از صفحه ۱

مالکین با زور اسلحه و چماق..

گوشه‌ای بود از وضع یکی از دهات ترجیح میدهم گزارشی مربوط به هر دهات را جداگانه در ارتباط با هم بعداً بیاورم.
از نظر اقتصادی: تولید کشاورزی روستاها در این منطقه عبارتست از گندم که ۸۰٪ و شاید بیشتر دیم است، جو، یونجه، سیب‌زمینی، اکثر روستاها، پساتهای انگور، یکی دو روستا سیب و گلابی و سیب‌زمینی.
فرض بانی بدون استثناء در همه منازل رواج دارد و گاهی متنازلی هست که دو جوب داربست فرض بانی داشتند. فرضها هم در اندازه یک متر در سه متر بافته می‌شود. مراحل تولید فرض از تهیه بشم، رسیدن بشم رنگ کردن بشم و بافتن فرض که اغلب از روی نقشه نیست، بلکه از حفظ است، بوسیله خود روستائیان و اغلب بدست دختران جوان و کودکان صورت می‌گیرد.
تولید لنبیات نیز به میزان کم در دهات منطقه صورت می‌گیرد.

از نظر جمعیتی: دهات و روستاها اغلب ۳۰ تا ۴۰ خانوار را در بر می‌گیرد، اما روستاهای تا ۱۵۰، ۲۰۰، ۴۰۰ و ۶۰۰ خانوار نیز دیده میشود. جمعیت، اغلب پیر است (بالای ۴۰ سال) تعداد جوانان بخصوص پسر در هر روستا انگشت‌شمار است. علت مهاجرت این افراد است به شهرها، مرگومیر فسران است و اغلب ناشی از نبود امکانات بهداشتی است که بتواند از اول بیماری را پیشگیری کند. مهاجرت در روستاها بدست قابل لمس است، بسیاری از روستاها نصف و گاهی دیده شد ۹۰٪ خانه‌ها خالی شده. (ما به روستائی برخورد کردیم که سابقاً ۶۰ خانواد در آن زندگی می‌کرده ولی اکنون تنها ۳ خانواد در آن زندگی می‌کردند).

از نظر فرهنگی

روستاهای این منطقه اغلب دبستان داشتند، اما ۲ سال است که بیشتر این دبستانها معلم ندارد. و تنها دو روستا مدرسه راهنمایی داشت.
چهار دهات اغلب خزینه است، به استثنای یک ده. (گروه از افراد ادروی ما مشغول ساختن یک حتماً در یکی از روستاها بودند). روستاها فساده بهداشتی هستند. (در برخورد با یکی از روستائیان می‌گفت: مدرسه ده را تمیز کردیم تا افراد بهداشتی و بهداشتی که طبق جدول قرار بود هر جمعه سری به ده ما بزنند، در آن محل بیمار را ببینند، ولی وقتی آنها آمدند گفتند: ما در اینجا کار نمی‌کنیم، اینجا

مردمی گمراهند که بسوی حق و آزادی و عدل هدایت نشده‌اند، قرآن می‌خواهد این نکته را تأکید کند که اگر حکام و مالکان و زورگویان با وضع مقررات دروغین به نام مذهب و خدا می‌خواهند بدبختی و محرومیت و بی‌ثباتی مردم را توجیه کنند، آنها نباید از روی بی‌عقلی از این مقررات تبعیت کنند و تسلیم باشند و به فقر بسازند و فرزندان دل‌بند خود را از راه ناچارانه به قتل رسانند. این منوعیت‌ها و تخصیص‌ها را اربابان برای حفظ منافع خویش به نام خدا بر مردم تحمیل کرده‌اند و علمای مذهب برای این منظور مقررات پیچیده‌ای وضع و همه را از جانب خدا شمرندند - ثروت و محصول را که نتیجه کار و زحمت توده‌های محروم و زحمت کش بود بین خود و اربابان خویش تقسیم میکردند و تولید کنندگان را محروم نگاه میداشتند. سهمی از محصول را بنام خدا کنار گذاشته و بخود اختصاص میدادند سهمی را بنام شریکان خود (معبودان و...) جدا میکردند و سهمی برای ارباب و مالک و سهمی برای... دست آخر چیزی جز همان مقدار که رعیت و برده در سر با نگاهدار تا باز هم زمین را کشت کنند و گوسفندان را به صحرا برد شیر را بدوشند و محصول در دو کتف و خانه ارباب و معبد خدایان را برپا نگاهدارد و آتش زیر دیگ‌های غذا در مطبخ‌های بزرگان و رؤسای روشن کند. باقی نمی‌گذاشتند. وَ جَعَلُوا لِلَّهِ سَمًا ذَرَأْسَ الْعَرْتِ وَالانعام نصیباً قالوا هذا لله برعمهم وهذا لشرکائنا فما كان لِشِرْکائهم فَلَا یصیلُ لى الله وماکانَ لَهُ فُهو یصیلُ لى شرکائهم ساء ما یحکمون. (انعام ۱۳۶) و از آفریده‌های خدا از کشت و زرع و از دامها، سهمی برای خدا قرار دادند و گفتند این برای خداست به‌بندار خود - و این برای شریکان ماست - پس آنچه بسرای شریکان آنهاست به‌خدا نسیم‌رسد و آنچه از آن خواست به‌شریکان ایشان میرسد - چه شیوه و نظام زشتی دارند رنج و عذاب ناشی از آن محرومیت‌ها را نوعی عبادت و تحمّل آنرا تسلیم بودن به‌سرنوشت و فرمان خدایان تلقی

می‌شود. مقاومت منازل در مقابل ضعیف‌ترین زلزله خیلی کم است و حیاط منازل بزرگ و اغلب پیر از فضولات احتضام است.

از نظر پوشاک

اهالی ده لباس بخصوص به آن، صورت که معمول است ندارند. اغلب زنان از پارچه‌های رنگی و قرمز استفاده می‌کنند. لباس مردان خیلی ساده، گشاد، پاره و وصله شده است. در جوانان گرایش به استفاده از لباسهای مدرن در شهرها به‌بچشم می‌خورد شهری غرب‌بزه و روستائی شهرزده! آنچه که آمد یک جمعیتی از دیده‌ها بود و شاید ۱٪ تمام دردها.

مشکلات و نیازهای روستائیان این منطقه عبارت است از:

- ۱ - کمبود آب - خراب بودن و به اصطلاح خردشان «کور» بودن قنوات که با حفر چاههای عمیق و نیمه عمیق و ترمیم قنوات این نیازها قابل رفع است.
- ۲ - کمبود وسایل و امکانات برای کشاورزی. روستائیان هنوز از وسایل سنتی استفاده می‌کنند و استفاده از وسایل مکانیکی تولید آنها را چند برابر خواهد کرد.
- ۳ - خراب بودن راههای ارتباطی که در زمستان امکان ارتباط با نواحی دیگر را غیرممکن می‌سازد و بیماران اورژانس به نایاب باید تا فصل بهار تحمل کنند! یکی از روستائیان می‌گفت: پارسال زمستان یکی از زنها حامله بود و وضعش خیلی خراب اول روی زردبان (به صورت برانکاره) به طرف «رزن» حمل کردیم ولی شدت سرما و باد ما را مجبور کرد که برگردیم. دفعه دوم او را سوار الاغ کردیم ولی نیمه‌های راه بچه بدنیا آمد که منجر به مرگ مسافر و نوزاد شد. ایجاد پست‌های سیار پزشکی در زمستان و حرکت مسابینهای وزارت راه در این راه‌ها می‌تواند در یک طرح کوتاه‌مدت نیازهای اهالی را رفع کند.
- ۴ - کمبود امکانات رفاهی از قبیل بهداشت، مدرسه، حمام و... که علتی است بزرگ در مهاجرت روستائیان به شهر.
- ۵ - کمبود درآمد و باینین بودن قیمت پیشنهادی دولت برای خرید محصولات که باز علتی است برای مهاجرت روستائیان.
- ۶ - فشار اربابان و مالکان و باج‌گیران به دهقانان. مهرماه ۵۸ ق - حیدری

از نظر بهداشتی

طوبله روستائیان در زیر اطاق خواب قرار دارد و این باعث شده که بیماریهای مختلفی در ده شیوع داشته باشد. بعلمت کاهگلی بودن اطاقها، انواع حشرات در درز این شیارها خانه دارند، که روستائیان را خیلی اذیت می‌کنند. موش و مسار همبستران این انسانها هستند. بعلمت کیفیت‌بودن ظروف غذاخوری و آب آشامیدنی روستائیان اغلب بیمارهای داخلی دارند. (علت آلوده بودن آب این است که روستائیان در همان آب که لباس می‌شویند، ظرف هم می‌شویند و این عاملی است در شیوع بیماریهای روده‌ای). خزینه و استفاده از لنگ بصورت عمومی، بیمارهای فراوانی را موجب شده است از قبیل - کجلی، سوزاک، سفلیس و...

از نظر غذائی

روستائیان خیلی کم از مواد پروتئین‌دار استفاده می‌کنند و اغلب نیازهای غذائی خود را با نان، شیر، پنیر، ماست، سیب‌زمینی مرتفع می‌سازند که این خود عاملی است در آسیب‌پذیری روستائیان در مقابل بیماریها.

از نظر مسکن

مصالح مورد استفاده در مسکن روستائیان سنگ و چوب، خشت می‌باشند. از آهن و آجر تنها برای مکانهای مقدس مانند مسجد و امامزاده استفاده

پاورقی

- ۱) ف - ک - ج ۵
- ۲) ف - ک - ج ۵ ص ۹۲
- ۳) بحارالانوار - ج ۷۵ - ص ۳۰۵ و ج ۱ - کله سرف
- ۴) وسایل
- ۵) تحف العقول
- ۶) اصول کافی ج ۳
- ۷) ف ک ج ۴
- ۸) مأخذ سابق
- ۹) وسایل الشیعه
- ۱۰) اصول کافی - ج ۴
- ۱۱) وسایل الشیعه
- ۱۲) همان مأخذ
- ۱۳) نهج البلاغه فیض الاسلام - خطبه ۶۷
- ۱۴) مدرک فوق
- ۱۵) وسایل
- ۱۶) وسایل - ص ۲۶۸
- ۱۷) ۱۸) فروع کافی - ج ۴
- ۲۰) اصول کافی ج ۲ - تاریخ یعقوبی ج ۱
- ۲۱) اشاره به کلام معروف امام علی بن ابیطالب (۲۲) سنن ابن ماجه ج ۲ - سنن نسائی - سنن ابی‌داود ج ۳
- ۲۳) همان مأخذ به‌اضافه محمد غزالی - الاسلام والنهائج الاشرکیه - زیدون المکارم بنیاد الاقتصاد فی الاسلام
- ۲۴) سنن ابن ماجه
- ۲۵) همان مأخذ
- ۲۶) سنن ابوداود - مسلم و دیگران
- ۲۷) تاریخ الفتح الاسلامیه
- ۲۸) علی غفوری - انفال یا ثروتهای عمومی
- ۲۹) تفسیر نوین

مباحث ایدئولوژیک بقیه از صفحه ۲

به‌کثیر خواهند رسید که خدا حکیم و داناست آنها که فرزندان خود را از روی بی‌خردی و عدم آگاهی به قتل رسانند و آنچه خدا روزی‌شان داده بود حرام شمرند، و بر خدا دروغ بستند، گمراه شدند و هدایت شده نیستند. قسمت اخیر آیه شاید متوجه کسانی است که مقررات تحریم را که از جانب ستمگران و مستکبران و پیشوایان مذهب وضع و به‌دروغ به‌خدا نسبت می‌داند - قبول و محترم می‌شمرند و بر راستی از جانب خدا قلمداد می‌کردند و هم‌چنین از روی بی‌عقلی و عدم آگاهی و بدلیل فقر و بی‌ثباتی که بر آنها تحمیل شده بود فرزندان خود را می‌کشتند - و نعمت‌های خدا را که به‌آنها روزی داده بود - بر خود حرام میکردند - اینها

خیابان طالقانی و در حاشیه آن سفارت آمریکا!!!؟

از پدر طالقانی اینچنین باید تجلیل کنیم؟

از پدری که در تمام عمر شکر همدنش یک لحظه از یاد فرزندان خود جدا نبود، از او که قبایض فقط بخاطر خدا و خلق میطلبید، از او که طالقانی بود و پرتو قرآن، از بزرگ مردی که با تمام وجود بر علیه مثلث شوم زر و زور و تزویر مبارزه کرد و در این راه جان باخت، آیا شایسته است اینچنین تجلیل شود؟

اگر میخواستیم از مناقات و زحماتی که بخاطر خلقمان متحمل شد تجلیل کنیم این نیست که بنام او بنامی بیان کنیم و بیامیدان و خیابانی را بنامش نامگذاری کنیم، بلکه باید بگویم تا شکرگری وفادار به او و ادامه دهنده راه او باشیم. ادامه دهنده راه عملی که فریاد میزد، فرزندان من، با تشکیل شوراهای دست استبداد را در سطح روستاها، بخشها، شهرها، مزارع، کارخانجات، ادارات، مدارس، دانشگاهها... قطع کنید و به فرصت طلبان اینچنین مجال مسیبه جینی ندهید، با تشکیل در شوراها زنجیرهای اسارت و بردگی، استثمار و استعمار را که امپریالیسم و وابستگی داخلی بر دست و پای شما نهاده اند پاره کنید.

آری، پیچوند راه او بهترین تجلیل از اوست. کدام مسلمان می تواند بپذیرد، چیزی را که طالقانی بخاطر ازین برهن آن تبعید شد، زندان رفت، شکنجه شد، مبارزه کرد و هستی و وجودش را در این راه نهاد اکنون ستاد و مرکز نمایندگی آن در کنار خیابانی باشد که بنام او نامگذاری کرده اند؟ سفارت آمریکا در حاشیه خیابان طالقانی (تخت جمشید قدیم)!!! مگر نه این بود که پدر ما نیز امپریالیسم جهانخواهر آمریکا را دشمن اصلی تمام خلقهای تحت ستم میدانست و مگر غیر از این است؟ چه زود فراموش شد فرموده امام که «ما روابط با آمریکا را میخواستیم چه کنیم؟» «روابط ما با آمریکا روابط یک مظلوم با یک ظالم است...» با این زنده ماندنهای امام باز نمیدانم چرا...!

خدا یا مگر نه این است که وعده داده ای مستضعفین و ارثان زمین خوانده بود، پس چه شد که مردم بیباخته ایران باین زودی از حرکت ایستادند. برادر و خواهر، مگر این شعار تو نبود که میگفتی «بعد از شاه نوبت امریکاست» تا چه شده؟ مگر خوابت برده؟ مگر نمی بینی افراد تازه از گرد رسیده و قدرت طلب و فرصت طلب در لباس تزویر و ریا سعی بر این دارند که مسیر انقلاب ما را در جهت حفظ منافع خود منحرف نمایند؟ این وظیفه توست که خون شهیدان را با پادشاهی، این تویی که باید شاکرگری وفادار به راه معلم کبیرت باشی و این تو هستی که باید وصایای پدر طالقانی را تحقق بخشی. پس بپوش باشی، خواهر من و برادر من، من میدانم که تو نیز رنج میبری از اینکه روح مجاهد بزرگمان اینچنین آزرده گردید ولی این کفایت نیست...!

... پدر طالقانی مبارزه کرد تا زنجیرهای استبداد و استثمار را از دست و پای خلق برگیرد، طالقانی مبارزه کرد تا امپریالیسم را برای همیشه در این مرز و بوم به خاک بسپارد نه اینکه ستاد فرماندهی و عملیاتی داخلی آنها در کنار نام باز به غارت و اسارت خلق و اینبار با کمک عواملی در پوشی دیگر ادامه دهد و این نه تجلیل از او بلکه مسخ کردن او و اهدافش و توهین به او است و پشت کردن به راه و خواست او.

راستی اگر واقعاً روابط ما با آمریکا رابطه یک مظلوم با یک ظالم است، رابطه یک غارتگر با یک غارت شده است پس جدا ما روابط با آمریکا را میخواستیم چه کنیم؟ مگر قرار است که باز هم مظلوم باشیم و غارت شویم؟

امید روزی که بر فراز باغ و ساختمان سفارت آمریکا پرچم خونین فلسطین قهرمان به اهتزاز در آید و خواست پدر طالقانی تحقق یابد. بیاری خدا و امید آرزو.

والسلام
۵۸/۶/۲۹

نامه ای از سپاه پاسداران لاهیجان

ای زمان لحظه ای درنگ کن، اندکی توقف نما، زمانی بایست، زیرا آبنای زمان با درنگ و توقف ایست تو نیازمندند، چونکه چهره زمان انسانی را که مایه عزت و شرف و مجد و والاتی و تعالی بخشنده خیره گان و مرحوم گذار قلوب رنج دیده گان و محرومان و مستضعفین بوده است از آنان رسوده و جمعشان را به بی جمعی مبدل ساخته است، امروز انسانی از جهان ما گرفته شده است که سالهای ستودنی عمر همیشه در رنجش را بدون اندکی وقفه و خستگی ناپذیری بنحقی اسلام اصیل و دگرگیری فراهیز با طغونیان گذرانده و پیروان نسل سلبی برپا و پرتیر برای اسلام اصیل و راستین همت گماشت و اکثر ایام گرانقدرش را در تبعید و در سیاهچالهای روضاخانی و آریامهری و اربابان خارجی شان گذرانده. اما سعه صدر و سکنه قلبش مانع از آن شد که برهه ای از زمان را بدون پیگیری هدف عالیاش که همانا تحقق بخشیدن اسلام محمدی بود سپری سازد، او آیه... طالقانی از اسیر مردان اسلام می باشد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که خود را پاسدار دستاوردهای انقلاب اسلامی و ادامه دهنده راه بزرگانی چون طالقانی میدانند به این امر واقف است که پاسداری تنها اشک ریختن و مجلس ترحیم گرفتن و راه پیمایی نیست، بلکه پیاده کردن ایده آلها و آرمانهای آنها است.

از این رهگذر به مقامهای مسئول شهر و بهر عمای قوم بعنوان هشدار تذکر داده میشود که:

- ۱ - زمین داران بزرگ را نباید خلع یسد کرده و زمینهایشان را بفتح مستضعفین مسواحه نمود.
- ۲ - باید تمام کارخانهها و صنایع بزرگ توسط شوراهای اسلامی کارگران اداره شود.
- ۳ - ریاخواران بزرگ از قبیل بهارستانیها، قوچیها، جهان بینها، وهابیها... باید اموالشان بفتح مستضعفین

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی لاهیجان

مصاحبه با یک پاسدار

بنام خدا

آنچه را در زیر میخوانید، مصاحبه ای است که رادیو جمهوری اسلامی ایران با دو تن از پاسداران سابق زندان قصر انجام داده و در ساعت ۳ و سی دقیقه صبح سه شنبه ۳ مهرماه ۵۸ از رادیو پخش گردیده است.

به دلیل اهمیت مطالب مطرحه، متن پخش شده از رادیو را استبداء ضبط نسوده و سپس بسودن کوچکترین دخالتی در کلمات و جملات به همان شکلی که بیان میشده است بر روی کاغذ آورده ایم. چند تذکر:

- ۱ - چند کلمه استبداء مصاحبه که در رابطه با محل سابق زندانین [مدرسه رفاه] بود بعلت ضبط نشدن از قلم افتاده است.
- ۲ - بر اساس اصل قرآنی و توحیدی [اسر بمعروف و نهی از منکر] و حدیث نبوی [کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیه] و همچنین خواست رهبری انقلاب در جهت افشای کژیها و اعمال و حرکات ضد اسلامی و ضد انقلابی و همچنین حفظ دستاوردهای خونهای بیش از ۶۰۰۰ شهید، ما نیز موظفیم که همچون دو برادر پاسدار مجاهد، موارد حمله و هجوم به انقلاب خلق را که وسیعاً و در ابعاد گوناگونی از جانب امپریالیسم بر سر کردگی آمریکا و صهیونیسم و عوامل داخلی مترجمش صورت میگردد، افشاء نموده و در معرض دید و قضاوت توده های مستضعف خلق قرار دهیم.

در پایان در ارتباط با مسائلی که برادران پاسدار در مورد رهائی ائمه الکفر و مهره های اصلی ساواک و غارتگران اموال مردم و... همچنین در زندان خدمتکاران جزء ساواک در زندان، حدیث ذیل را از پیامبر اکرم به نقل از «صحیح مسلم» میآوریم: «پیامبر به اسامه قین سعد - که جهت رهائی زنی فریضی از جاری شدن مجازات پر او بدلیل فدوی نمودن، با پیامبر سخن میگفت - چنین پاسخ داد: یا اسامه! اقوام و ملت های سابق نابود شدند، چون هنگامی که قدرتمندان و اشراف قوم فدوی میکردند حدود را بر آنها جاری نمی ساختند، لیکن اگر نرسد ضعیفی (اگر چه بسعلت شرایط خد انسانی و استثمار گرانه حاکم بر اجتماع جهت بقای خود لقمه نانی «سرقه» کند) سرقه متبکیر، حدود را بر او جاری می ساختند. به الله سوگند که جان محمد در دست اوست، اگر دخترم فاطمه، سرقه متبکیر بود،

هجوم مسلحانه به ساختمان کانون پرورش توحیدی

بسم الله القاصم الجبارین
«الذین اخرجوا من ديارهم بغير حق الا ان يقولوا ربنا الله...»
«آنکه از خانه های خود رانده شدند بدون اینکه گناهی داشتند...»
پس از پیروزی انقلاب عظیم اسلامی ایران برهبری امام خمینی نیاز بحرکت فکری و گسترش فرهنگ اصیل اسلامی بخصوص در میان جوانان مهین ما هر چه بیشتر احساس میشد. بهین دلیل ما عده ای از جوانان مسلمان با شور و هیجان خاصی دست به ایجاد یک مرکز فرهنگی زدیم که با نام کانون پرورش توحیدی آغاز بکار کرد، و طی شش ماه تلاش پیگیر علیه غم فشارهای مرتجعین در جهت رشد جوانان مسلمان برآه خود ادامه داد.

روز گذشته (دوشنبه دوم مهر ماه) عده ای افسراد مسلح بدون داشتن حکم قانونی بکمک تعدادی افسراد معلوم الحال، با توسل به شیوه های ارتجاعی که خاطره چماق داران دوران طاغوتی را در اذهان زنده میکند علیه غم تأکیدات مکرر امام و «پدر طالقانی» که حمله به گروهها را محکوم نموده اند، با ضرب و جرح اعضای کانون و تیراندازی و توهین و اهانت در حضور مادران و خواهران، اقدام به اشغال کانون کردند و در برابر درخواست ما دأثر بر ارائه حکم دادستانی، در نهایت بی شرمی ادعای عزل و نصب دادستانی کرده و پاسخ دادند که ما با قانون کاری نداریم.

ما ضمن محکوم نمودن اینگونه اعمال و قبیحانه که تحت لوای اسلام و با سؤ استفاده از نام اسام انجام میگردد و موجب خند خندار شدن چهره واقعی اسلام میگردد، خواستار رسیدگی سریع به این امر از طرف مقامات مسئول میباشیم و اعلام میداریم که اینگونه حرکات ارتجاعی تنها و تنها در خدمت اهداف امپریالیسم خواهد بود.

«مرگ بر امپریالیسم و عوامل ارتجاعی آن»
«بر فرار باد جامعه بی طبقه توحیدی»
۱۳ مهر ۵۸ «کانون پرورش توحیدی»

خاصی بودند، اینها در اونجا نفوذ کرده بودند و خود همین نفوذ اینها باعث شده بود که یک سری ناراضحیا و ناراحتی هایی بوجود بیاد.
از جمله اینکه اینها به کار زندانیان رسیدگی نمی کردند و فقط می رفتند دنبال یک سری افرادی که پیروندشون سنگین بود و بکار اینها رسیدگی میکردند و اینها هم نه باون صورتی که بازجویی بکنند یا، چیزی، همینطوری سر هم بندی می کنند و اعدامشون می کردند. ولی، افرادی که گناهشون خیلی کمتر بود، یا حتی شاید بعضیشون بی گناه بودند، اصلاً به کار اینها رسیدگی نمی شد، حتی کسانی بودند که چهار ماه، پنج ماه در زندان بودند، حتی کسی نرفته بود از شون سؤال که آقا اسم شما چیه؟ و واقعتاً این بود که این از نظر ما قابل قبول نبود که افرادی که در سطح پائین هستند، و حتی از نظر خانوادگی، از نظر مادی در مضیقه بودند، با مستأجر بودند، یا گرفتاری خانوادگی داشتند، اینهارو پنج ماه، شش ماه در داخل زندان نگه میداشتند، ولی یک سرلشکری، یک سرتیپی یا افرادی با مقامات ساواکی، حتی افرادی که اگر ده سال هم داخل زندان میسودند کوچکترین ناراحتی مادی برایشون بوجود نمی اومد، اینهارو پارتی بازی می کردند و آزادی می کردند و حتی با مدارکی که موجود است از بعضی ها حق و حساب گرفته و زندانیهارو آزاد کردند، و ما می دانیم، الان می بینیم که بعد از حدود ۸، ۹ ماه که از انقلاب داره میگذره، کل زندانیهای محکوم شده ما از ۵۰، ۴۰ نفر تسجاولز نمی کنند، در صورتیکه اگر ما دسرای اینها داشتیم و افرادی داشتیم که بتواند از اینها بازجویی بکنه و کار اینهارو بسرعت انجام بدهند، حداقل این زندانیها همه شون الان محکوم شده بودند و به نتیجه اعمالشون رسیده بودند. سؤال: بنظر شما زندانی کردن مجازات خوبیه برای این افراد؟

جواب: این سنگی داره به تصمیم دولت، که با اینها چکار می تونه بکنه، ما که بعنوان یک پاسدار بودیم، معتقد بودیم که اونهاییکه مجرم هستند احتیاجی - همینطور که امام گفته بود - به دادگاه و این چیزها ندارند، هر چه زودتر بکارشون رسیدگی بشه و به سزای اعمالشون برسند، اما اونهایی که مجرم نیستند و بیگناه هستند، بعد از توضیحاتی که بهشون داده میشه و یک بازسازی که از نظر فکری برای اینها بوجود میاد، اینهارو آزادشون بکنه و اینها بپروند، چون ما معتقد بودیم که خیلی از این افسرادی که در ساواک کار

امت

برادران و خواهران

در طی هفته گذشته تعداد زیادی مقاله، شعر و طرح و نامه های که حاوی رهنمودها، انتقادات و انتظاراتی که از نشریه است داشتید از طرف شما خوانندگان امت بدستمان رسید، که بدین وسیله از همه شما سپاسگزاریم. در مورد مقالات شما سعی ما بر این است که تا آنجا که امکان دارد (در صورتی که مطالب تکراری نباشد) اقدام بچاپ آنها نمائیم. از شعر و طرحهای شما نیز در موارد مناسب استفاده خواهیم نمود، همچنین در زمینه مطالبی که خواسته اید در امت چاپ شود در حد امکان سعی بیدرج اینگونه مطالب خواهیم نمود.

با امید همکاری و موفقیت بیشتر

بقیه از صفحه ۴

هنر و سانسور

هنرپیشگان آن مردم و داستانش مبارزه بر علیه طاغوت می باشد. اما میوه چینی می ترسند که این اثر زنده به قضاوت عموم در آید و حقایق بیشتر روشن شود.

طبق تصمیم شورای مرکز سینمایی و سمعی و بصری کشور، قرار بر این گرفته شد که بطور کلی سانسور نباشد اما اینک چند نفر خارج از کادر شوره و جدا از متخصصان فرهنگ و آموزش عالی و بدون شناخت ضوابط هنری، نقض شورای یک وزارتخانه را میکنند و بدون هیچگونه تعهد هنری، صرفاً با یک پیش قشری به فیلم نگاه میکنند و بعد فتوا میدهند. آیا اسام چنین نظری دارد یا دیگر رهبران پیشرو مانند مرحوم آیت الله طالقانی؟ چرا بخاطر کوه نظری خود حاصل زحمت شبانه روزی چند اکیب را به هیچ میگیرید؟ آن زمان که عده ای در بستر گرم خوابیده بودند و یا گرمای گرم بخت با همفکران خود بودند، همین کارکنان مستعد امور سینمایی و سمعی و بصری سپاسی مردم در خطرناکترین لحظات و بحرانی ترین مکانها حضور داشته و از قهرمانهای خلق مسلمان و قهرمان ایران قیلم میگرفتند. آیا درست است که این قیلم زنده بخاطر نظر یک یا چند نفر توقیف یا سانسور شود و یا مدت ها در انبار خاک بخورد؟ اگر از آگاهی و روشن شدن توده نمی ترسید، چرا قیلم را به قضاوت مردم نمیگذارید؟ چرا به اصل اسلامی یعنی میزان قرار دادن مردم توجیه نمیکنید؟ مسلمانانیه که کشته داده اند باید به بینند و قضاوت کنند. اجازه دهید مردم قضاوت کنند نه شما، و در نهایت بساید هنر اصیل توسط هنرمندان متعدد و مسئول که هدفشان، مکتب می باشد، زنده کرد و هر اسر هنری بدون سانسور به معرض دید مردم در آید.

حسین بیکزاده
۵۸۷۷

بقیه از صفحه ۸

بیاد شهیدان

صادق (طلبه) و محمدحسین اکبری آهنگران در خیابان ژاله او را شناسایی و پس از یک درگیری و فرار در خیابان طهبزالاسلام شاه آباد بسوی آنان آتش کشودند، خواهر مجاهد الله اکبرگویان درحالیکه با اخلاص و یقین و اختیار گامهای استوار بسوی شهادت برمی داشت در اثر تیراندازیهای مکرر روح بزرگش به معراج آسمانها اوج گرفت آری خون سرخ او و دبتر هم روزمانش در شریان اجتماع جاری شد و چون باران بهاری روحی تازه در کالبد اجتماع سرد و فسرده دمید باشد که در قلب ظلمت جهل و جور فجر طالع گردد.

می کردند حتی خودشون هم نمی دانستند در کجا کار می کنند یا حتی خیلی ها شون فکر می کردند که واقعا دارند خدمت می کنند بملت، یا حتی بعضی ها شون معتقد بودند دارند به اسلام خدمت می کنند. و اینهارو هم اینهارو که نمیشه اعدام کرد، با همه اینهارو بگیرند زندان بکنند ما معتقدیم برای یک مدت محدودی اینها داخل زندان باشند ولی افرادی هم باشند که صلاحیت داشته باشند، بیایند اینهارو راهنمایی بکنند مسائلرو برای اینها توضیح بدهند. ادامه دارد

پیش بسوی تشکیل جبهه واحد اسلامی ضد استبدادی، استعماری و استثمارگری به رهبری امام خمینی

پیش گیری از بیماری یا شیوع آن؟

Jean Afrique.
آفریقای جوان
 ۱۹۷۹ - سپتامبر - ۱۲

بالا بردن نرخ بهره توسط کشورهای غنی برای مبارزه با تورم، در مانیتور خطرناک. این روزها فقط بهای نفت و طلا نمیباشد که در بازارهای جهانی ترقی میکند، بلکه قیمت دیگری نیز هست که هم اکنون در جهان در حال رشد می باشد و آن ارزش پول است. به عبارت دیگر - نرخ بهره پول - بهای آن مقدار سرمایه است که یک شرکت با فردی برای ساختن یک کارخانه و یا خانه های وام میگیرد.

در سال گذشته نرخ بهره پولی در بازار مالی - آنچه که بانکها را پیش از پیش تغذیه میکند - در فرانسه تا ۶/۵٪ تنزل داشته، اکنون به ۱۰/۵٪ ترقی یافته است. بطوریکه افزایش نرخ سود همان مقدار افزایش داشته که بهای نفت، نرخ سود در آلمان فدرال، از ۶۰ درصد (نسبت به سایر کشورهای در سطح بین المللی توقف داشته) برای رسیدن به ۵٪ را میتوان گفت که در مدت یکسال گذشته بعدو برابر ترقی کرده است.

افزایش بهای پولی در آمریکا و انگلستان در حدیست که میتوان گفت رکورد این بالا رفتن را نداشته اند. در ایالات متحده آمریکا، بانکها با ۱۲/۲۵٪ سود وامهای خود را در اختیار بهترین مشتریان خود قرار میدهند! یعنی دو برابر آنچه در سال ۱۹۷۷ گرفته می شد. در انگلستان با تصویب لایحه های مبنی بر نرخ سود ۱۴٪ جنگ اقتصادی واقعی را بوجود آمده است. طبعاً این ارقام (درصد ربح) مربوط به سود اصلی بانکها می باشد و ولی بهره پولی حاصله از وام های داده شده به مشتریان بانکها در سطح بالا و گاهی در برابر می باشد. نعله و در شدن سریع ارزش پولی برای چیست؟ اساساً این ترقی بر دو دلیل استوار است: یا برای کنترل و ترمز زدن سایر قیمت ها (چیزی که میتوان آنرا اقتصاد در مانی نامید). یا در مان افزایش قیمت ها با ترقی قیمت دیگری (از دیاد بهره پولی)، عملی است که بی خطر برای اقتصاد نخواهد بود، بخصوص برای حمایت پولی. اصولاً هدف افزایش نرخ بهره پولی در آلمان فدرال برای کند کردن حرکت تورم اقتصادی می باشد چنانکه در ایالات متحده نیز اقدام به چنین عملی علاوه بر کم کردن در صد تورم، حمایتی نیز از قدرت دلار می باشد. خطرناکترین مسئله در این نوع شیوع پیش گیری و مداوی بیماریهای اقتصادی، اینست که بصورت ایبیدی و سرایت بیماری درخواهد آمد.

وقتی کشوری مانند آمریکا چنین عمل کردی را در برابر تورم و حمایت از دلار اتخاذ میکند، کشورهای دیگر جهان (بعلاصت شرکت داشتن در سیستم اقتصادی سرمایه داری بین المللی) مجبور به پیروی از آن عمل کرد خواهند بود.

اگر نرخ سود در فرانسه در سطح با بین متوقف نمود، رباخواران سرمایه دار، سرمایه های پولی خود را از کشور خارج کرده تا در آمریکا (یا کشور مناسب دیگری) بکار انداخته تا از نرخ بهره بیشتری (نسبت به فرانسه) استفاده کنند. بنابراین افزایش ارزش پول (بسی از بهای واقعی آن) بطور مصنوعی و تزرفی عواقب خطرناکی را بدنبال خواهد داشت. این عمل مانند آنست که برای معالجه گلو درد بجای استفاده از تربت گلو، کلیه را معالجه کنیم! بالا بردن سود بانکی پول قبل از آنکه عاملی برای جلوگیری از تورم باشد، سدی خواهد بود در برابر فعالیت های اقتصادی و عاملی در از دیدن بیکاران.

در صد بیکاران که در سال ۱۹۷۸ در آمریکا به ۶٪ تنزل یافته بود (کمتر از فرانسه) در سال آینده این میزان به ۷٪ خواهد رسید. اقتصاددانان خوش بین (نسبت به اجرای این طرح) تخمین می زنند که هر چه در صد بهره بیشتر و سریع تر باشد، نشان نجات از اوضاع فعلی (تورم) بیکاری، رکود اقتصادی) بیشتر خواهد بود. البته اگر حق با این آقایان خوش بین باشد!!

پایان

اجتناب از نقطه بدون بازگشت!

در مراکش تحمل کتد نسا کامی ای که خسارات جبران ناپذیری را به سیمای بیرنگ آمریکا در خاور میانه وارد خواهد کرد.

خفیان بی نتیجه ارتش مراکش در سال ۱۹۷۸ و باعث شد که سلطان حسن از قدرت منهدنند ارتش جلوگیری کند. اما نتیجه منفی هم داشت و آن افزایش نارضایتی بود که در ارتش آشکار شد. نیروهای نظامی بخاطر عدم ترفیع درجه و از همه مهتر محدودیت عملیاتی آنان در صحرا باعث بوجود آمدن یک نوع حالت اعتراض و عصبانیت در میان آنها گردید. ولی تنها اشتیاق مردم برای استرداد صحراست که از تظاهرات علنی مخصوصاً در بین افسران جوان، بخاطر پائین بودن هزینه زندگی و افزایش تصاعدی قیمت ها جلوگیری میکند.

الجزایر به ره دلیلی ترجیح می دهند که سیاست صبر و انتظار را پیشه کنند. آنها بخاطر جبهه گیری شدیدی که در مقابل مراکش انجام دادند یک پیروزی دیپلماتیک در JOAH بدست آوردند. که موقعیت آنان را در کنفرانس کشورهای غیرمتحد (در هاوانا) مستحکمتر شد. احتمالاً در صورت ارجاع مسئله صحرا به سازمان ملل الجزایر آرا را بدست خواهد گرفت.

اگر سلطان حسن از دادن امتیاز خودداری کند، الجزایر می تواند فشارهای مستقیم بیشتری را وارد سازد، شازلی رئیس جمهور الجزایر ترجیح میدهد که کماکان معروفیت خود را بعنوان مسئولترین کشور عرب شمال آفریقا حفظ کرده و مسائل صحرا را از طریق دیپلماسی تعقیب کند. اما از نظر داخلی از سوی رهبر جبهه آزادیبخش ملی N.L.F صالح یحیوی، فشارهایی برای موضع گیری شدیدتر در مقابل مسئله صحرا وارد می شود. اگر تمام راههای دیگر بسته شود او مجبور خواهد شد سیاست خود را در مقابل مراکش تغییر داده، حتی در پشتیبانی از پولیساریو بیک سری عملیات نظامی محدود دست بزند. فرانسه، علیرغم علاقه اش به این منطقه، قسمت خیلی کمی از آنرا در اختیار خود دارد. و در گذار کردن آن به مراکش یا الجزایر مرد می باشد، زیرا آنها نیز مانند آمریکا تمایلی به سقوط سلطان حسن دوم ندارند زیرا جانشین مشخصی برای وی وجود ندارد و با احتمالی قریب به یقین پس از سقوط او هرج و مرج و اغتشاش کشور را خواهد گرفت.

با این وجود فرانسه دارای منافع حیاتی در موریتانی می باشد و قسمت عمده استراتژی فرانسه در آفریقای غربی به این کشور بستگی دارد. فرانسه می خواهد که موریتانی یک کشور مستقل باقی بماند و در مقابل هر اقدام تجاوز کارانه مراکش به این کشور، با آن به مقابله خواهد برخاست. منابع دیپلماتیک به خبرنگار میدل ایست اظهار داشته اند که تا بحال فرانسه یک بار باین ترتیب جلوی تجاوز مراکش را گرفته است.

سلطان حسن اصرار دارد که افراد پولیساریو به موریتانی بازگردند، زیرا آنها مخالفین موریتانی هستند، حال اگر می خواهند به دولت آنجا کمک کنند یا اینکه آنرا ساقط کنند، وی همچنین گفته است که الجزایر جهت دسترسی به یک راه خروجی مطمئن به دریای آتلانتیک بایستی به موریتانی رو آورد.

میدل است سپتامبر ۷۹



بقیه از صفحه ۱

بیانیه جنبش مسلمانان مبارز در باره نبرد جنوب

دولت باید موانع و محدودیتهایی که در راه فعالیت دفتر نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین وجود دارد، مرتفع سازد.

جنگ جنوب لبنان توطنهای علیه خلق فلسطین و موجودیت این ملت و سازمان آزادیبخش فلسطین جنگی است که توسط امپریالیسم و صهیونیسم علیه مظلوم ترین ملت تاریخ تدارک دیده شده است. در برابر این کشتار و حملات وحشیانه، آسای کافی است که فقط به تعارفات رسمی و توخالی بسنده شود! اگر در حمایت عملی و صمیمانه از مقاومت فلسطین بخاطر عکس العملهای آمریکا هراس دارید، سخت در اشتباه هستید - آمریکا قادر به نشان دادن هیچ نوع عکس العمل خصمانه نسبت به انقلاب ما نیست، بشرطی که به مردم و اراده ملت خود متکی باشیم و استقلال خویش را حفظ کنیم - آمریکا اگر ایران را از دست بدهد، این منطقه حساس را از دست داده است و اگر این منطقه را از دست بدهد، موقعیت جهانی اش در مخاطره جدی می افتد. شرایط جهانی و مناسبات قدرتها اجازه هیچ مداخله نظامی در منطقه را به آمریکا نمی دهد. سروصدا درباره نیروی یکصد هزار نسری جز تسهدهای توخالی بیش نیست. مداخله نظامی آمریکا با انفجار چاهها و لوله های نفت در سراسر منطقه همراه است و اگر نفت نباشد، اشغال نظامی چه سود؟! مردم قهرمان و مبارز ما از این تهدیدها نمی ترسند. نیروی ملت برای مقابله با تهدیدهای امپریالیسم کافی است. نیروی نظامی ما و سایر دول منطقه مانع دخالت آمریکا نیست، مقاومت و هشیاری خلقهای آگاه مانع تهاجم و دخالت آنهاست.

ما در این شرایط حساس و سرنوشت ساز با تکیه بر آزادیهای انقلاب اسلامی خلق و رهنمودهای امام و خواست قلبی همه مردم از دولت می خواهیم بدون پروا از محافل امپریالیستی و صهیونیستی اولاً - تجهیزات و کمکهای مادی و نظامی لازم مورد نیاز برای جنگ با صهیونیستها را در اختیار برداران فلسطینی بگذارند، ثانیاً - به مردم اجازه دهد مستقیماً کمکهای مادی خود را ارسال و در صورت لازم برای شرکت داوطلبان ایرانی در جنگ جنوب لبنان و مقابله با تهاجم صهیونیستی دو شاخ و برداران فلسطینی، زمینه را فراهم کند.

اگرچه برداران فلسطینی به نیروی انسانی ما احتیاج ندارند لکن رفتن تعدادی داوطلب به جنوب لبنان نشانه ای از پیوند و همبستگی دو ملت برادر خواهد بود و گامی است برای تحقق آرمان اسام خمینی در راه تشکیل جبهه متحد مستضعفان علیه مستکبرین استعمارگر صهیونیست. تردید نیست که برداران و خواهران مسلمان و مبارز ما همه تلاش خود را برای تحقق خواسته های فوق بکار خواهند زد. مستحکم باد پیوند خلقهای مستضعف

جهان علیه

امپریالیسم و صهیونیسم!

پر توان باد پیکار رهائی بخش خلق قهرمان فلسطین!

مستحکم باد دوستی و برادری خلقهای مسلمان ایران و فلسطین!

جنبش مسلمانان مبارز ۵۸/۷/۷

بقیه از صفحه ۱

امام خمینی: امروز جهان اسلام بدست آمریکا گرفتار است

مسلمین بدست اسرائیل این غده سرطانی خاورمیانه افتاده است. امروز برداران فلسطینی و لبنانی عزیز ما را با تمام قدرت می کوبد و بخاک و خون میکشد امروز اسرائیل با تمام وسایل شیطانی، تفرقه افکنی میکند، بر هر مسلمان لازم است که خود را علیه اسرائیل مجهز کند. امروز کشورهای آفریقای مسلمان ما زیر سیوغ آمریکا و سایر اجانب و سرسیردگان آنان دست و پا می زنند. امروز آفریقای مسلمان صدای فریاد مظلومانه خود را هر چه بیشتر بلند می کند، فلسفه حج باید جواب گوی این فریاد مظلومانه باشد... امروز جهان اسلام بدست آمریکا گرفتار است. شما بسرای مسلمانان قاره های مختلف جهان پیامی از خداوند برید، پیامی که به غیر از خدا بردگی و بندگی هیچکس را نداشته باشید.

علیه اسرائیل مجهز شوید

برادران و خواهران مسلمان من آگاید که تمام منافع مادی و معنوی همگی ما را ابر قدرتهای شرق و غرب می برند و ما را در فقر و وابستگی سیاسی - اقتصادی، فرهنگی، نظامی قرار داده اند، بخود آئید و شخصیت اسلامی خود را بسایید. زیر بار ظلم نروید و هشیارانه نقشه های شوم جهان خواران بین المللی را که در رأس آن آمریکا است افشا کنید. امروز قسبه اوک

نابود باد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع

آیت‌الله منتظری: آیا شما خبر دارید مسلمانهای جنوب لبنان در چه وضعی هستند؟

نماز جمعه دانشگاه تهران با شرکت صدها هزار تن از خواهران و برادران ما به امامت آیت‌الله منتظری اقامه شد. ایشان در دو خطبه خود چنین فرمودند: ... ما یک روزی را در ایران بدستور رهبر بزرگمان حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی آرزو را روز قدس اعلام کردیم یعنی همه مسلمانها بفکر بیت‌المقدس افتادیم. اما بصرف اینکه یک روز شعار دادیم برای قدس کافی است؟ گفتن مقدمه عمل است. آیا شما خبر دارید مسلمانهای جنوب لبنان در چه وضعی هستند. آوارگان فلسطینی در چه وضعی هستند. برادران مسلمان شما در افغانستان چه گرفتاریهایی دارند. ۶ میلیون مسلمان فیلیپینی در چه وضعیتی هستند؟ آیا ما بساینها کمک می‌کنیم؟ یا بجای کمک ضرر هم به آنها می‌زنیم؟ اینها وظیفه است. روز قدس شعار بود برای اینکه دنیائش عمل بیاید.

... یکی از مسایلی که الان موضوع روز است سأله شوراها است. اولاً به‌شما توجه دهم این شایعه چیست که گفته‌اند مجلس خبرگان شوراها را کنار گذاشته‌اند و مخالف شوراها هستند این حرف را چه کسی گفته؟ چند اصل را جمع به‌شوراها می‌دهد، شهر، شهرستان، بخش و استان. اینها همه اصولی بعد می‌آید مطرح میشود و جزو قانون اساسی است.

سادات تقاضای پنج میلیارد دلار کمک نظامی کرد

واشنگتن، احتیاجات نظامی اسرائیل و مصر را که رقمی معادل چندین میلیارد دلار میباشد، در سازمان پنتاگون مورد بررسی دقیق قرار داد. براون معاون سازمان دفاع ایالات متحده قصد دارد بطور جداگانه دوستان خود را ملاقات کند. این دوستان! وایزمن یهودی و مبارک معاون رئیس جمهوری مصر میباشدند، که میخواهند در جریان ملاقاتشان در خواستهای دولشان را تقدیم براون کنند.

درخواست کمک نظامی اسرائیل که برای سال مالی ۱۹۸۱ اعلام شده بالغ بر ۱۸۰ میلیارد دلار است، اما هنوز رقم ثابت درخواست کمک نظامی مصر معین نشده است سادات در صدد مجهزتر نمودن ارتش خود میباشدند. و بدین منظور در نظر دارد که از وسایل نظامی شوروی استفاده نماید، که جمع درخواستها بالغ بر ۵ میلیارد دلار میشود. امریکائیان در مقابل تقاضاهای مصر حساس شده و در نظر دارند که انتهای نظامی رئیس دولت مصر را معتدل کنند و برای این منظور چندین نماینده پنتاگون به‌قاهره اعزام شده‌اند.

وایزمن در نظر دارد که با براون برای بوجود آوردن امکانات همکاری جهت ساختن هواپیمای شکاری F-۱۶ یا F-۴ صحبت کند که دولت یهودی اسرائیل در حال حاضر ۷۵ نمونه برای سال ۱۹۸۰ سفارش داده است اسرائیل هواپیمای F-۱۶ را برای سرکوبی بهتر فلسطینا ترجیح میدهد و آنرا بعنوان یک وسیله بسیار کامل نسبت به F-۴ می‌سنجد.

بنظر می‌آید که ایالات متحده برای طرح مشترک ساختن هواپیمای سکوت نموده، هر چند که اسرائیلیها به‌آنها اخطار کرده‌اند که در صورت عدم همکاری، خود به‌ساختن هواپیمای کاملاً اسرائیلی می‌پردازند. لوموند ۱۰/۹ سپتامبر

حمایت از مردم فلسطین با عمل است نه با حرف

ریاض ۱۷/۹/۱۹۷۹ - وفا
برادر ایوبازن عضو سازمان الفتح اظهارات کارتر را که گفته بود رهبران عرب خواستار تشکیل کشور فلسطینی نیستند، بی‌اساس شمرده و گفت: این یک ادعای پوچ است و ما تا این اندازه ساده و ناتوان نیستیم که وادار به پذیرفتن چیزی شویم که بر خلاف میل ما است، ما صلاح خودمان را میدانیم و میتوانیم از آن دفاع کنیم و اگر آمریکا بخواهد با سازمان آزادی‌بخش فلسطین بعنوان تنها نماینده مردم فلسطین مذاکره کند. ما بدون تمهید بقبول قطعنامه ۲۴۲ از چنین مذاکره‌ای استقبال می‌کنیم. برادر ایوبازن در پایان مصاحبه‌ای که با روزنامه الریاض داشت افزود: حمایت از مقاومت مردم فلسطین نه از طریق اعلامیه‌ها و اظهارنظرهای انقلابی بلکه باید با عمل و واقعیت باشد.

هانی‌الحسن: آزادی فلسطین یک وظیفه است

جمعی از پیوندگان راه مجاهد کبیر طائفانی، پنجشنبه ۵ مهر ماه ۵۸ در مسجد هدایت اجتماع کردند و خاطره معلم کبیر قرآن را گرامی داشتند. در این اجتماع، هانی‌الحسن نماینده سازمان آزادی‌بخش فلسطین در تهران و گروهی از مقامات مسلکی - فرزندان طائفانی - معتمد شیبتری شرکت داشتند هان‌الحسن در این اجتماع چنین گفت:

... ما همه فلسطینی‌ها بخاطر درگذشت آیت‌الله در فلسطین، در لبنان گریه کردیم و شما نیز در ایران بسوک او نشسته و سخت گریه کردید. اسلام در سالهای طولانی در این جهان غریب بود ولی مردانی مجاهد و مبارز و مؤمن مانند آیت‌الله العظمی امام خمینی و حضرت آیت‌الله طائفانی و دیگران آمدند و دین اسلام را زنده کردند و پرچم آنرا برافراشتند، چرا نباید بخاطر آن بزرگوار گریه کنیم.

... الان توطئه‌هایی از داخل و خارج طرح ریزی میشود، شما میتوانید با وحدت داخلی خود و ادامه دادن راه طائفانی این توطئه‌ها را خنثی کنید و راه انقلاب را تا پیروزی کامل ادامه دهید. طائفانی از دیرباز دوستدار فلسطین بوده و ایمان یک مسلمان کامل نمیکرد مگر آنکه راه جهاد را ادامه بدهد و آزادی فلسطین یک وظیفه است. این آزادی امکان ندارد مگر با جهاد و جهاد عملی نمیکرد مگر با آزادی بیت‌المقدس و فلسطین. آیت‌الله طائفانی از میان ما رفت و دیگر در میان ما نیست ولی می‌توانیم هر یک از ما «یک طائفانی» باشیم.

ضمناً یادآور میشویم که هر پنجشنبه شب بعد از نماز مغرب و عشاء، دوستان و ادامه دهندگان راه مجاهد کبیر طائفانی، در مسجد هدایت گرد هم آمده و یاد معلم کبیر قرآن را گرامی میدارند.

بگین: تشکیل کشور فلسطینی بقای «اسرائیل» را تهدید میکند

فلسطین اشغالی ۱۷/۹/۱۹۷۹ - وفا
منابع بگین تشکیل کشور فلسطینی در کرانه غربی و غزه را خطری برای بقای «اسرائیل» نامید و گفت: هر که سازمان آزادی‌بخش را برسریت بشناسد بقول خودش بنیادی بشری رای داده است. وی افزود در مصاحبه‌ای با روزنامه نیویورک تایم گفت: تشکیل کشور فلسطینی یک پایگاه بسیار مهمی برای شوروی در خاورمیانه ایجاد میکند. وی سپس به‌بیشترت مذاکرات بارزیم مصر اشاره کرد و از اردن و سوریه خواست باین باصطلاح کاروان صلح خاورمیانه ملحق شوند. وی تشکیل دولت فدرالی بین اردن و کرانه غربی را رد کرده و گفت: مقامات محلی که در چارچوب طرح خودمختاری انتخاب خواهند شد صلاحیتهای قانونی و قضائی ندارند.

تظاهرات خشونت‌آمیز در برزیل

لوموند ۲۱ سپتامبر ۱۹۷۹
ریودونانیرو - طی تظاهرات خشونت‌آمیزی که روز سه‌شنبه ۱۸ سپتامبر در ساتولویز، مرکز شرقی مازانهاو در شمال شرقی برزیل روی داد، دویست نفر زخمی و سیصد نفر دستگیر شدند. هم‌چنین قریب به‌هشتاد نفر اتوموبیل دچار حریق و شیشه‌های مغازه‌های اطراف خورد شدند.

علت این خشونت از آنجا ناشی شد که پلیس با حمله خود سعی در بهم زدن راهپیمایی آرامی را داشت که از طرف دانش‌آموزان برزیل بخاطر گرانی قیمت ایاب و ذهاب دانشگاهی انجام شده بود. جالب آنکه موقعی که پلیس سعی در تار و مار کردن تظاهر کنندگان را داشت، تماشاچیان که در حاشیه ایستاده بودند به‌صفت تظاهرات پیوسته و بکمک دانش‌آموزان شناختند. توضیح اینکه پلیس موفق به‌شکستن تظاهرات نشده بلکه آقای جاو کاستلو استاندار مجبور به‌ملاقات با یک هیئت از نمایندگان دانش‌آموزان جهت مذاکره گردیده است.

بنام خدا پیام جنبش مسلمانان مبارز به دانش‌آموزان

۱) در بالا بردن آگاهی ایدئولوژیک - سیاسی خود بکوشید و در مبارزه برای حفظ دست‌آوردهای انقلاب پیوند مقدس در مقابل پیوند نامقدس ارتجاع، لیبرالسم سازشکار و امپریالیسم ضرورت دارد.

۲) دشمن اصلی انقلاب ما یعنی امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا همچنان علیه انقلاب ما عمل می‌کند و کوشش در تجدید حیات پایگاههای سیاسی - اقتصادی‌اش یعنی ارتجاع و سرمایه‌داری وابسته را دارد. برای نابودی آن هوشیارانه مبارزات خویش را جهت بخشیم.

۳) برای خودسازی و جهت‌بخشی به‌مبارزات ضرورت تشکیلات و سازماندهی مناسب بنا خواستار را همواره در نظر داشته باشید، که برای پیشبرد امر مبارزه حیاتی است.

۴) با پیوستن به‌صنف خلق مستضعف و جهت‌بخشی شعارها در جهت تحقق خواست‌های آنان، علیه تلیت شوم استبداد - استعمار و استثمار، به‌رهبری امام خمینی همواره به‌آرمانهای خلق وفادار باشیم.

۵) مبارزه خلق مسلمان ایران از مبارزات خلفای محروم جهان علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا جدا نیست. حمایت از جنبش خلفای بیاخته علیه امپریالیسم و صهیونیسم از وظایف هر مبارز انقلابی است.

امید آنکه همچنان از مدرسه و کتاب و درس، سنگری برای تداوم انقلاب بسازید.

پیروز باد انقلاب خلق به‌رهبری امام خمینی
نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا
جنبش مسلمانان مبارز
۵۸۷/۱

سال تحصیلی را که بس از سرگونی نظام استبدادی و رژیم وابسته به‌امپریالیسم آغاز می‌کنید، بشما خواهران و برادران دانش‌آموز مبارز، تبریک و تهنیت می‌گوئیم.

مبارزه پیگیر شما دانش‌آموزان مبارز در انقلاب شکوهمند خلق مسلمان ایران از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. اعتراض شما به‌گرانی بلیط اتوبوس و جهت‌بخشی اعتراض با شعارهای سیاسی و مبارزه، بیانگر آگاهی و هوشیاری مبارزاتی شما در مقابله و مقاومت علیه طاغوت بود.

مبارزات همه‌جانبه شما دانش‌آموزان در سال ۵۷ و پیوستن به‌اعتصاب عمومی دانشگاهها و دیگر افتخار و طریقات خلق را چه کسی از یاد خواهد برد. این شما بودید که کلاس و مدرسه را به‌سنگر مقاومت و مبارزه در راه انقلاب خلق مسلمان ایران مبدل ساختید، و همراه خواهران و برادران دانشجو و خلق انقلابی در صفوف متحد برای پیروزی انقلاب رسالت خود را بخوبی ایفاء کردید. شما در صحنه پیکار حق و باطل با پیوستن به‌صف حق و قبول شهادت و با نثار خون خود، تداوم انقلاب مکتب انسان‌ساز اسلام را پاری کردید و نظام جبار و مزدور امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکارا وازگون نمودید.

خواهران و برادران دانش‌آموز

در لحظات حساس و خطیر کنونی، که سرنوشت

و آینده انقلاب خلق شکل می‌گیرد، رسالتی بس سنگین بر عهده شما است. رسالتی که بعنوان

پیشتازان خلق و بعنوان روشنفکر مسئول و متعهد در مبارزه علیه دشمن عمده انقلاب و خلق، یعنی

امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم امریکا را دارید.

در تداوم مبارزه خود و تحقق آرمانهای انقلاب،

با بد:

بیاد مجاهد شهید

سرور آلا دیوش

کند او در این راه آنچنان خالصانه خدمت کرد که وصفش را فقط باید از شاگردانش شنید که هنوز وقتی اسم او را بشنود بی‌اختیار از صبر زیاد و فداکاری و شهادت او سخن بمیان می‌آورند و همگی با افسوس خاطر او را گرامی می‌دارند. در سال ۵۱-۵۲ وارد دانشسرای عالی و در رشته ریست - شناسی مشغول و در همین سال او راه خود را انتخاب نمود، عالیترین و دشوارترین و سنگین‌ترین انتخاب، که در نهایت راه خدا و جهاد برای خلقت، بعنوان کوبنده‌ترین حربه علیه دشمن بکار برد. چرا که او در مکتب اولیا، خدا آموخته بود که تنها راه فلاح و نجات از قید تمام اسارتها قیام کردن برای توده، مستضعف و محروم اجتماع است در این مرحله بود که با اصیل‌ترین و فعالترین جنبش اسلامی آشنائی و تماس پیدا کرد و سال بسال بر میزان فعالیت دانشجوییش افزود تا با صداقت و ایمان و صبر انقلابیست توانست دختران رنگ گرفته از مظاهر تمدن جدید را به خویشتن اصلیشان باز گرداند تا چهره حقیقی خود را باز شناسند. شاید او اولین کسی بود که به چهره دختران دانشسرای (تربیت معلم) رنگی مذهبی بخشید. او از کوچکترین فرصتی برای روشنائی و هدایت افکار و تشکل دانشجویان استفاده می‌کرد. اگر روزی در دانشکده حضور داشت خلأ وجودی او کاملاً احساس می‌شد و بخاطر رفتار انسانیش همه را مجذوب کرده و همه او را تحسین میکردند علاوه بر فعالیت در دانشگاه و مجامع مذهبی عملیاتش بصورت گسترده‌تر در رابطه



با محاهدین حفظ می‌کرد و با رعایت اصول غیبه و تاكتهای انقلابی هیچکس فکر نمی‌کرد که ممکن است او با گروهی در تماس باشد و این جنبش دانشگاه را پشت سر گذاشت در حالیکه فلسف برای آینده همگان می‌نمید در اواخر خرداد ۵۵ با گذراندن تمام واحدها درس دانشگاه را وداع گفت و در مرداد ماه هم‌سال مرحله نازهای را در زندگی خویش آغاز کرد مرحله تعدیر آفرین و شکفتن این بار آفرینش شاهکارش را این جنبش به مرحله ظهور گذاشت دختری تنها و هجرتی چنین و ایثار چنین خالص الدین آسمو و هاجر و جاهد و فی سبیل... او با این هجرت ثابت کرد که یک زن تا کجا می‌تواند بیش برود و سدهای صد نکاملی را بشکند و رنجها و سختیها را براحتی متحمل شود و بقول خودش این انتخاب نه سخت بلکه با امید رسیدن به معشوق اصلی چه آسان و لطیف و قابل هضم است و ما را چه باک که بخاطر خدا و خلقت شهید شویم و به سگی پرواز بپردازیم سوی معبود شناسیم.

سخن از یک انتخاب بزرگ و آگاهانه است که با عزیزترین سرمایه وجودی خود بستگی دارد و او چون طوفانی تندریا درخشد و شتابان در سبیل‌الله قدم نهاد و در حدود دو ماه بطور مخفیانه زندگی کرد که این زندگی دشوارترین مراحل تکاملی است و انسان در این مرحله که آزاد از تمام قیدها و زنجیرهای اسارت است ساختمان فکریش شکل گرفته و ماهیت اعمالش مشخص می‌گردد و تنها انسانهای خالصانند که در این مراحل از آزمایش سر بلند بیرون می‌آیند.

احسب الناس ان یترکون... و او این مرحله را بخوبی گذراند و چون کوهی استوار با برجا ماند و دشمن در پیشگیریهای متعدد که از شهرویر آغاز کرده بود بالاخره در عصر سه‌شنبه هفتم مه‌ماه ۵۵ همراه با دو تن دیگر از برادران مجاهدش مهدی میر -

بقیه در صفحه ۶

لطفاً وجهه نشریه است را به‌صاحب چساری شماره ۲۰۰ بانک صادرات قمه تحت‌نظارت روزگرت واریز نماید

هفته نامه امت شماره ۲۵

چهارشنبه ۱۱/۷/۱۳۵۸

سال اول

زیر نظر

شورای نویسندگان امت
خیابان بهار شمالی نهی خیابان نامجو

۸۲۲۹۸۲ - ۸۲۲۸۳۱

چاپ حرکت امت - شهری ۴۳

دروود بر امام خمینی رهبر انقلابی توده‌های مستضعف ما